

افزایش تجاوزات مرزی و عملیات مفسده جویانه رژیم جمهوری اسلامی علیه افغانستان انقلابی

* گزارشی از چند فقره عملیات تجاوزکارانه مشترک سپاه پاسداران و اشرار افغانی

* مانور نظامی سپاه و بسیج در حاشیه مرزی

* حاجی بیرام قاچاقچی مشهور و فرمانده کمیته های سیستان و بلوچستان، چرا در منطقه مرزی حضور یافت؟



دوشنبه ۹ دی ۱۳۶۴ - برابر ۲۰ دسامبر ۱۹۸۵
به ۶۰ ریال - سال دوم - شماره ۸۸

جمهوری اسلامی در آیین رویداد های هفته

در این شماره، در صفحه "از رویدادهای ایران" به طور "تصادفی" خبرهایی در کنار هم قرار گرفته اند که بنحوی قانونمند با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند. وزیر برنامه و بودجه اعلام داشت که بررجم منگفت بودجه جنگی در سال آینده دوازده درصد افزوده می شود. سخنان او حاکی از این بود که از بودجه عمرانی بازم کاسته و بر مالیاتها نیز بازم افزوده اند و مردم باید در انتظار اوضاع فلاکت بارتتری باشند. رئیس بانک مرکزی اعتراف کرد که رژیم جمهوری اسلامی دچار "شرایط سخت اقتصادی" شده و "تنتناهای ارزی" گریبانش را رها نمی کند. معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع بر ملا کرد که در تدارک تسلیم واحدهای صنعتی به انحصارات امپریالیستی هستند. او این کار را "اجاره دادن صنایع به دیگر کشورها" نامید. روزنامه ها خبر دادند که وزیر مشاور دولت ترکیه در امور اقتصادی وارد تهران شده است تا برای گسترش مناسبات بازرگانی، صنعتی و... میان طرفین، تدابیر تازه تری اتخاذ شود. هفته آینده نیز تورکوت اوزال نخست وزیر دولت نظامی ترکیه میهمان حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی خواهد بود. ری شیری وزیر اطلاعات رژیم خمینی اظهار داشت. برای تأمین کادر مورد نیاز بقیه در صفحه ۲

سازمان "سیا" اخیرا برای خرابکاری در افغانستان انقلابی، بودجه بی سابقه ای را در نظر گرفته است. این امر نشانه تشدید تشبثات امپریالیسم آمریکا، برای ایجاد اختلال در کار پیشرفت انقلاب تور است، سپاه، سرکرده جبهه نامقدس ضد افغانی است که رژیم جمهوری اسلامی نیز در آن جای دارد. این رژیم نیز به سهم خود در ماه های اخیر مفسدجویی های خویش را شدت داده و دست به اقدامات تحریک آمیز و مداخله جویانه خطرناکی زده است. برخی از موارد آن چنین است.

محکومیت رژیم در گرد همایی نیروهای صلح و ترقی

در روزهای اول، دوم و سوم دسامبر (۱۰، ۱۱، ۱۲ آذر) سال جاری کنفرانس ملی سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان برگزار شد. محل برگزاری این کنفرانس شهر بوبال بود. انتخاب بوبال بعنوان محل برگزاری کنفرانس، جهت ادای احترام به قربانیان فاجعه نشت گاز سی از کارخانه آمریکایی یونیون کارباید در این شهر بود که بر اثر آن بیش از ۲۵۰۰ تن از مردم به هلاکت رسیدند.

از سوی رامش چاندر را رئیس شورای جهانی صلح و راجیو گاندی نخست وزیر هندوستان پیامهایی به کنفرانس ارسال گردید که توسط برگزار کنندگان کنفرانس قرائت شد.

فدائیان خلق و توده ای ها با حضور در این کنفرانس و شرکت در کمیته های خلیع سلاح و مسایقه تسلیحاتی به دفاع از صلح جهانی پرداختند.

بقیه در صفحه ۷

از یائیز اسامال رژیم جمهوری اسلامی در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان در تلاش برای جذب نیرو به ارگان تجاوزگرانه و سرکوبگرانه جدیدی است به نام " لشکر محمد رسول الله" که بقول مرتجعین حاکم ظاهرا قرار است "مرزهای ایران را در مقابل تجاوز بیگانگان محفوظ نگاهدارد"

طی همین مدت رژیم، بطرزی بی سابقه و تحریک آمیزی قوای نظامی مستقر در مرزهای ایران و افغانستان را در بلوچستان بطور هم جانیه تقویت کرده است.

رژیم خمینی همزمان با مراسمی که تحت عنوان "سالگرد جنگ تحمیلی با عراق" برگزار کرد، در نزدیکی مرزهای ایران و افغانستان، در منطقه "ادیبی" از توابع زابل دست به مانور نظامی زد و تعدادی از کارمندان دولت در زابل و زاهدان را با تهدید و ارعاب به این "مانور" کتانید. این عملیات که در جهت تشدید تشنج اوضاع در منطقه صورت گرفته است، "بسیج کارمندی" نامیده شد. شرکت کنندگان در عملیات زیر رگبار تبلیغات سخنرانی بقیه در صفحه ۲

فدائیان و جنبش دهقانی
در صفحه ۸

وای پروم
در صفحه ۶
شعری از نیما

لویس کوروآن، دبیرکل حزب کمونیست شیلی :

شالوده اتحاد ضد دیکتاتوری

اشتراک در هدف عاجل و انعطاف در شیوه های مبارزه است

حزب کمونیست شیلی، از فردای کودتای فاشیستی ۱۹۷۳، بیکرترین و متشکلترین نیروی رزمنده ضد دیکتاتوری در این کشور بوده است. در مبارزات توده ای کنونی علیه رژیم پینوشه نیز، این حزب در کنار نزدیکترین متحدان خود، نقش به سزایی دارد. این نقش در چند سال اخیر، دانشا رو به افزایش بوده است بگونه ای که امروز، هیچ یک از نیروهای سیاسی اپوزیسیون شیلی قادر به نفی آن نیستند. احزاب بورژوایی اپوزیسیون، که در گذشته اصولا مخالف هر گونه همکاری با حزب کمونیست بودند، امروز که سیاست طرد کمونیست ها، در بر خورد با واقعیات سرخست زندگی و بیکار توده ها در هم شکسته است، اصل این همکاری را می پذیرند، اما برای گسترش آن خواهان آنند که کمونیست ها در مواضع اصولی خود در رابطه با مبارزه با دیکتاتوری، تغییر دهند و اصل "تنوع اشکال مبارزه" را که متضمن مشروعیت اعمال قهر نیز هست، کنار گذارند. لویس کوروآن، دبیرکل حزب کمونیست شیلی، در شماره ۴۶ مجله شوروی عصر جدید طی مقاله ای موضع حزب کمونیست را در این باره تشریح کرده و توضیح می دهد که چگونه و در چه مقنای حزب، با کاربرت اصل لنینی انعطاف در شیوه های مبارزه، و شناخت دقیق اوضاع لحظه، لزوم استفاده از شیوه های قهر آمیز در کنار اشکال مسالمت آمیز را مطرح نمود.

در صفحه ۱۲

ویرانگریهای رژیم خمینی در عرصه آموزش

ویرانگریهای رژیم خمینی، همه عرصه های زندگی اجتماعی مردم ایران را شامل می شود. هیچ عرصه ای از این بلاعون سپاه مصون نمانده است اما ابعاد فجایی که در عرصه آموزش - در تمام سطوح آن - و محیط های آموزشی همچنان در جریان است، به تمامی غیر قابل توصیف و اثرات مخرب و دیربای آن بسیار نگران کننده است. در این عرصه نیز رژیم از تاکتیک جنگی زمین سوخته استفاده می کند. همه چیز را ویران و ویران تر می خواهد تا از خلق، پیشاپیش برای بدور افکندن این حکومت پلید، سپاه فکر و ارتجاعی انتقام بگیرد. نگاهی داریم به وضعیت آموزش ابتدایی و متوسطه در

کشورمان و سیاست های مخرب رژیم در این عرصه :
گسترش فقر، بیکاری و بی خانمانی، در کنار سیاست های خفقان بار، قشری و عقب مانده رژیم خمینی. وضعیت دشواری را در مورد آموزش کودکان و نوجوانان مابوجود آورده است.

آمار بی سوادی در میان کودکان و نوجوانان سرام آورا است. بیش از ۵ میلیون نفر از آنان نتوانسته اند به مدرسه راه یابند تا خواندن و نوشتن را بیاموزند. این رقم دانشا رو به افزایش است. از حدود ۹ میلیون دانش آموز، به دلیل وجود شرایط بقیه در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جمهوری اسلامی در آینه رویداد های هفته

بقیه از صفحه اول

ساواک جمهوری اسلامی "دانشکده اطلاعات" تاسیس می شود. یک روز قبل از این، رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد که در جمهوری اسلامی برای ضد انقلابیون و ساواکیها جای هیچگونه نگرانی وجود ندارد.

موارد فوق اجزای بهم پیوسته ای هستند که در کنار یکدیگر تصویر کاملی از کارکرد خیانت بار رژیم جمهوری اسلامی در تمامی عرصه ها، از صلح و آزادی گرفته تا استقلال و عدالت اجتماعی، تصویر می کنند. وجود این موارد گویا در میان رویدادهای یک فاصله کوتاه چند روزه، به هیچ رونه تصادفی که ناشی از شتاب بی حد و مهار ناپذیری است که کارکرد خیانت بار رژیم جمهوری اسلامی یافته است. جنگ و کشتار بیشتر، فلاکت و ویرانی افزونتر، وابستگی اقتصادی و سیاسی گسترده تر، سرکوب و اختناق لگام گسیخته تر هدفهای بلاواسطه و اعلام شده رژیم شده است. سردمداران جمهوری اسلامی دیگر پروا و نیز امکان آن را ندارند که رؤس این اهداف را مکتوم دارند، از این رو به ناگزیر آثاره بانگ بلند می گویند.

جمهوری اسلامی با چنین هدفها و کارکردی وسیعترین آشکار خلق را در برابر خود دارد. این هم تصادفی نبود که طی همین مدت توجه دو عنصر قدرتمند این رژیم، رفسنجانی و ری شهری، معطوف به تکمیل و تقویت ارگانهای سرکوب از طریق افزایش نفرات و آموزش آنها و نیز جذب عناصر و خبرگان ارگانهای سرکوبگر رژیم پیشین بوده است. آنها بدرستی دریافته اند که خیانت هایشان را مردم بی پایش نخواهند گذاشت؛ مبارزه گسترش بیشتری خواهد یافت و روزهای دشواری در انتظارشان می باشد.

افزایش تجاوزات مرزی و عملیات مفسده جویانه رژیم جمهوری اسلامی علیه افغانستان انقلابی

بقیه از صفحه اول

قرار گرفته بودند که علیه افغانستان انقلابی مرزه گویی می کردند. این سخنرانان تلاش داشتند به مردم بقبولانند که گویا افغانستان در تدارک حمله به ایران است.

مفسده جویهای رژیم جمهوری اسلامی به این تحریکات محدود نماند. همزمان با آن حرکات گستاخانه تر و شرورانه تری پی گرفته شد. واحدهای سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان خود مستقیماً باند های اشرار را در انجام چندین عملیات خرابکارانه در استان نیمروز افغانستان همراهی کردند. هدایت و رهبری این باند ها را در این عملیات سپاه بر عهده داشت. چند مورد آنرا ذکر می کنیم:

در تاریخ ۲۱ شهریور این اشرار به یک پاسگاه مرزی در خاک افغانستان حمله کرده و ۲ سرباز را در این پاسگاه کشتند.

در تاریخ دوم مهرماه پاسداران متجاوز گستاخانه وارد خاک افغانستان شدند تا بانزده نفر از ساکنین روستاهای مرزی افغانستان را بربایند.

در تاریخ پنجم مهرماه هنگامیکه ضد انقلابیون افغانی قصد حمله به افغانستان از طریق منطقه مرزی شهرستان زابل را داشتند، افراد سپاه زابل آنها را داخل مرزهای افغانستان همراهی کرده و تجهیزات و ادوات تخریبی رژیم خمینی را به آنها تحویل دادند. در این عملیات تجاوزکارانه و جنگ افروزانه، "حاجی بهرام"، قاچاقچی مشهور و

فرمانده کمیته های سیستان و بلوچستان، شخصا در مناطق مرزی حضور داشت و مستقیماً عملیات را هدایت می کرد.

این قبیل اقدامات تجاوزکارانه در حالی انجام می گیرد که مردم میهنمان دامنه جنبش اعتراضی خود علیه این گونه سیاستهای ارتجاعی رژیم را مدام توسعه می بخشند. بعنوان بخشی از موج سرتاسری مخالفت، در همان منطقه مرزی، توده های مرزنشین که به عینه شاهد جنایتها، زدیها، قاچاق و توزیع مواد مخدر، ایجاد ناامنی و دیگر فجایع ضد انقلابیون افغانی هستند، هر روز بیش از پیش مخالفت خود را با حضور این اوباشان آدمکش و سارق در میهنمان ابراز می دارند و نفرت خود را از ضد انقلابیون آشکارتر می سازند. بعنوان نمونه هنگامیکه در اواخر آبانماه اسال انفجار دو بمب در محل استقرار یکی از سرکردگان یک باند از اشرار افغانی، خسارات فراوانی به منازل مردم وارد آورد، مردم ساکن آن محله با خشم و نفرت به محل واقعه ریختند و عده ای از افراد سرشناس باند فوق را به شدت مضروب کرده خواهان اخراج آنها شدند.

امار رژیم خمینی که در برابر اراده مردم ما قرار دارد، راهی را طی می کند که برخلاف خواسته ها و منافع مردم است. این رژیم پلید و سياهکار برای پروراشدن باندهای ضد انقلابی افغانی همه امکانات را در اختیارشان می گذارد. علاوه بر پول و تجهیزات نظامی انبوه، که در اختیار سرکردگان

اشرار قرار داده شده است، ارگانهای سرکوب رژیم، فریب خوردگان افغانی مقیم ایران را تحت فشار قرار داده و وادار می کنند که با باندهای ضد انقلابی همراهی کنند. رژیم همچنین این باندها را در نقاط مرزی اسکان داده است تا برای انجام عملیات خرابکارانه از موقعیت مساعدتری بهره مند باشند.

دشمنی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با دولت انقلابی افغانستان و حمایت آن از اوباش و اشرار تبهکار افغانی، دلایل عدیده ای دارد که اساس آن سرشت ارتجاعی این حکومت است که هیچگاه با استقرار حکومتی انقلابی در کشوری نمی تواند سازگاری نشان دهد. ارتجاع ایران از همان بدو طلوع خورشید انقلاب ثور دچار سرکوبی شد. مگر نه اینست که شاه با شنیدن خبر آن سخته کرده بود. مرتجعینی که اینک برجای او تکیه زده اند، درست بهمان گونه و بهمان خاطر از درخشش خورشید انقلاب در سرزمین مسایه ما در عذاب هستند. این خفاشان کور کور و خون آشام به هر دنائی دست می یازند تا مگر خورشید را از تابش بازدارند. امانه اعتبارات مالی و اقدامات سازمان سیا و نه حرکات مداخله جویانه سپاه و نه هیچ حرکت دیگر هر یک از اعضای جبهه نامقدس ضد افغانی قادر نخواهد بود انقلاب ثور را از پیشرفت بازدارد. مردم افغانستان انقلاب خود را پاسداری می کنند و در این کار مردم و نیروهای انقلابی ایران در کنارشان جای دارند.

جنگ میان ارتش و قبایل در پاکستان ادامه دارد

به نیروهای "ولی خان کوکی هیل" یکی از بزرگان قبایل پشتو می پیوندند. لشکر مزبور تاکنون چند بار با نیروهای ارتش پاکستان برخورد داشته و تلفات سنگینی بدانها وارد کرده است.

خبرگزاری افغانی باختر گزارش داد شماری از رهبران و روسای سایر اقوام پشتو، به جبهه قبایل در حال نبرد پیوسته و در برابر نیروهای پاکستانی مقاومت می کنند.

مجلس شورای عصر جدید در شماره ۵۱ سال ۱۹۸۵ خود، یکی از ریشه های

نبردهای سخت در اطراف دره فیبر پاکستان میان واحدهای ارتش پاکستان و قبایل کوچ نشین این منطقه همچنان ادامه دارد. نیروهای ارتش، از هلی کوپتر، توپخانه سنگین و تانک برای حمله به روستاها استفاده می کنند. ارتش همچنین به محاصره منطقه خبیر به منظور گرسنه گذاشتن اهالی و وادار ساختنشان به تسلیم، ادامه می دهد. ساکنین بخش بزرگی از این منطقه، خانه های خود را ترک گفته و برای پیوستن به قبایل، به کوه ها رفته اند. هر روز شمار بیشتری از مردم

شخصی ترور می شود. پاکستان از هنگام تاسیس این کشور در سال ۱۹۴۷، پیوند سستی از گروه های قومی و قبیله ای ناهمگون را تشکیل می دهد. در این کشور، درگیری های زنجیره ای حاد و خونین امری معمول است. در چنین شرایطی، مخلوط انفجاری سلاح، پول و مواد مخدر می تواند به سرچشمه مشکلاتی جدی برای پاکستان تبدیل شود.

از سوی دیگر، هفته گذشته شهر لاهور پاکستان شاهد تظاهرات هزاران نفره مردم علیه رژیم ضیا الحق بود. پلیس پاکستان با باتوم و گاز اشک آور به این تظاهرات حمله کرد.

مخالفت فزاینده قبایل پشتو با دولت پاکستان را حضور ضد انقلابیون مسلح افغانی در این منطقه می داند. عصر جدید می نویسد در نتیجه سرازیر شدن سلاح های آمریکایی به منطقه مرزی پاکستان و افغانستان، این منطقه ناامن شده است. اشرار افغانی علیه مردم محل دست به راهزنی و ارباب می زنند. باندهای قاچاقچیان مواد مخدر از دریافت کنندگان سلاح هایی هستند که آمریکا برای ضد انقلاب افغانستان می فرستد. عصر جدید از قول مجله آمریکایی تایم می افزاید: "ایالات مرزی پاکستان می توانند به لبنان دومی تبدیل شوند... در پیشاور تقریباً هر روز بمبی منفجر شده و یا

بقیه از صفحه اول

به شمرده بیش از ۴/۵ میلیون نفر نمی‌توانند تا مقطع راهنمایی به تحصیل خویش ادامه دهند و یا به مدارس راهنمایی راه یابند. فقر و شرایط سخت زندگی و آمار بالای مردودین، قریب ۷۰ درصد دانش آموزان دبیرستانی را از ادامه تحصیل بازمی‌دارد.

در چنین منظری از وضعیت عمومی آموزش دبیرستانی و دبیرستانی، آثانی که بهتر ترتیب به تحصیل اشتغال دارند نیز با شرایط اسفباری مواجهند. اما به عنوان مهمترین خطری که نه فقط وضعیت آموزش که جان دانش آموزان را تهدید می‌کند باید از نقشه‌های هولناک رژیم برای کشتار دانش آموزان در جبهه‌های جنگ نام برد.

مدارس به عنوان پرشمارترین محل حضور جمعی جوانان، بیش از هر جای دیگر مورد توجه سران رژیم برای یافتن میز برای گرم تکید اشتراک تنور این جنگ نفرت انگیز شش ساله است. این توجه جنایتکارانه برای ربودن دانش آموزان از سرکلاس‌های درس و اعزام آن‌ها به جبهه‌های بی‌بازگشت جنگ، در ماه‌های اخیر بسیار تشدید شده است و مقامات حکومت هر کدام سعی دارند در کشتادن کودکان و نوجوانان به مسلخ، "کوی سبقت را از دیگری بریابند. در این زمینه تنها به ذکر دو گفته از دست اندرکاران رژیم اکتفا می‌کنیم که خود ابعاد این جنایت و نقشه خونبار و هولناک را به روشنی می‌نمایند:

اکرمی وزیر آموزش و پرورش در سمینار بررسی "شیوه‌های عملی برای بسیج ۱۰ میلیون دانش آموز ایرانی" گفت: "اولین هدف آموزش و پرورش آن است که تمام قوایش را صرف تجهیز و آموزش ده میلیون دانش آموز کند." رضایی فرمانده سپاه پاسداران اظهار داشت: "آموزش و پرورش علاوه بر کمک رسانی به جبهه‌ها خود نیز در جنگ شرکت کرده و سازمان منظمی در جنگ ایجاد نموده و به همین جهت در قرارگاه خاتم الانبیا عضویت رسمی پیدا کرده است." (کیهان ۲۲ آبان)

بر اثر قراردادن تمامی امکانات در خدمت جنگ و سپاهکاری‌های آموزشی رژیم وضعیت مدارس از نظر امکانات آموزشی بیش از پیش به‌روخاست گزاشیده است. بودجه جاری، نوسازی و عمرانی آموزش و پرورش شدیداً کاهش یافته است. در این زمینه گفته رئیس

ویرانگریهای رژیم خمینی در عرصه آموزش

آموزش و پرورش شیران در مصاحبه با کیهان ۱۷ آذرگویاست: "برای ساختن مدرسه اعتبار نداریم... با مشکل فضای آموزشی روبرو هستیم و بهمین خاطر مدارس را ۲ و یا ۳ نوبته کرده‌ایم. در روستاها نیز مدارس قدیمی در حال فرو ریختن هستند و بودجه کافی برای تعمیر نداریم."

در همین شماره اکثریت، به عنوان نمونه وضعیت مدارس لرستان تشریح شده است که چگونه به دلیل کمبود مدرسه، برخی مدارس، راه شیفته کرده‌اند، برخی مواد درسی مانند اتمش، هنر و ورزش را حذف نموده و روزانه برای دانش آموزان تنها ساعت درس در نظر گرفته‌اند.

در چنین شرایطی "در ادامه سیاست‌های خائنانه ضد مردمی رژیم خمینی در حمایت از مالکان مدارس (مرداد و شهریور) ۲۸ مدرسه با ظرفیت بیش از ۱۰ هزار دانش آموز تخلیه شده‌اند و در چند روز آینده ده‌ها مدرسه با ظرفیت ده‌ها هزار دانش آموز تخلیه می‌شوند"

(از اعلامیه جوانان فدایی

خلق شمال غرب تهران)

کار به جایی رسیده است که حکومت ارتجاع، طرح استفاده از اتوبوس‌های قراضه شرکت واحد را برای حل مشکل کمبود مدرسه ارایه می‌دهد (اکثریت شماره ۸) و یا دانش آموزان را با تکیه بر شلاق و سربزه پاسداران و ضرب و شتم آنان، به مدارس بدون میز و نیمکت و درو پنجه می‌فرستد. (اکثریت شماره ۸۴)

نزول شدید سطح آموزشی نیز به

حد وحشتناکی رسیده است که حتی خود نثریات رژیم نیز مجبور به اعتراف به آن هستند. این نزول به یک قاعده عمومی تبدیل گردیده است و خلاف آن جای تعجب دارد و به مثابه وقوع جرم! تلقی می‌شود. خبر زیر در این مورد کاملاً نمونه‌وار است: از یکی از معلمان حق‌التدریسی که برای مصاحبه به گزینش مراجعه کرده بود بازخواست شده است که: "چرا صد در صد قبولی داده‌ای این نشان می‌دهد که کارپرورشی! نداشته‌ای."

در مدرسه راهنمایی رضوان در تهرانپارس از ۴۵۰ نفر محصل کلاس سوم تنها ۹۰ نفر در خرداد ماه قبول شده‌اند. و یا از ۵۲۰ دانش‌آموز دبیرستان امیر کبیر سلماس که از بهترین دبیرستان‌های این منطقه است (۴۰ نفر مردود و با تجدیدی شده‌اند.

استفاده از وسایل کمک آموزشی، امکانات آزمایشگاهی و کتابخانه در مدارس بکلی کنار گذاشته شده است. در مدارس نیز که امکاناتی ناچیز در این زمینه‌ها داشتند، عملاً دانش آموزان را امکان دسترسی به آن‌ها نیست.

بر اثر معیارهای ارتجاعی انتخاب معلم و اخراج و یا امکان ندادن به معلمان باتجربه و دلسوز، تعداد هرچه بیشتری از معلمان بی‌سواد و مکتبی برای تدریس به کلاس‌ها فرستاده می‌شوند که این امر نیز افت شدید سطح آموزش را در پی داشته است. در مدارس دخترانه افت سطح آموزش ناشی از کمبود معلمان و دبیران باتجربه و باسواد بسیار پر نمودار است.

کمبود معلم و دبیر امری سراسری،

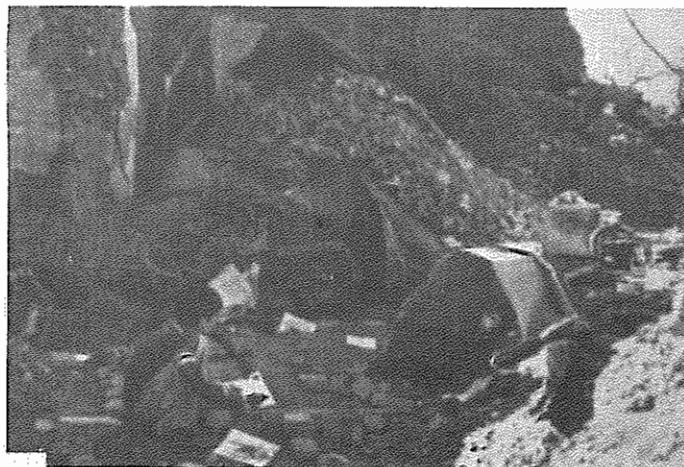
و حاد شده است. در حالی که مطابق اعلان‌های رسمی، کمبود ۷ هزار معلم ابتدایی و ۱۵ هزار دبیر اعلام کشته است این کمبود همچنان با تداوم سیاست‌های اختناق، قشری و جنگ ملیانه بیش از پیش حاد می‌گردد.

کتاب‌های درسی کمیاب و افزایش قیمت کتاب و نوشت افزار سرسام آور (۹۰۰ درصد) است.

با وجود آن که برای عوامفریبی اخذ شریعه را متوقف و غیرقانونی اعلام کردند در بسیاری مدارس به‌عنوان مختلف از خانواده‌ها مطالبه متعنتی اخذ می‌کنند که نمونه‌های متعددی از آن را تاکنون در نشریه درج نموده‌ایم. حتی صدور احکام تخلیه مدارس نیز به راهی برای اخذی از مردم تبدیل شد: در یکی از مدارس غرب تهران در جلسه انجمن اولیا و مربیان خواسته شد که به دلیل استیجاری بودن ساختمان مدرسه و برای آواره نشدن بچه‌ها لازم است خانواده‌ها مبالغی برای خرید زمین و ساختمان مدرسه کمک کنند.

در چارچوب برشردن برخی سپاهکاری‌های رژیم در مدارس باید تلاش جهت تشدید جو اختناق در مدارس را ذکر نمود. دست اندرکاران آموزش رژیم خمینی برای پیاده کردن تعلیم و تربیت ارتجاعی و پیشبرد معیارها و منش عهد عتیق خود و تحمیل آن به دانش آموزان به طور دایم سیاست تهدید، فشار، توهین و ارباب را در مدارس و به ویژه مدارس دخترانه پیش می‌برند. با گسترش اعتراضات روز افزون و جمعی دانش آموزان که نمونه‌های بسیاری از آن را در صفحات نشریه بازتاب داده‌ایم و گسترش فعالیت نیروهای انقلابی علیه رژیم در مدارس رژیم چاره‌رادر تشدید اقدامات سرکوبگرانه می‌بینند. این سیاست را اکرمی وزیر آموزش و پرورش در روز ۲۸ تیر ماه سال جاری رسماً اعلام نمود:

"اخیراً دستورالعمل جدیدی صادر شد که طی آن از سال تحصیلی آینده، دانش آموزانی که با رعایت نکردن حفظ شئون و موازین اسلامی از قبیل پوشیدن لباس‌های نامناسب، همراه داشتن عکس‌ها، پوسترها، کتاب و نشریات خلاف شرع و همچنین رفتار و کردارهای نامتناسب با جمهوری اسلامی به مدرسه بیایند، در وهله اول به آنان تذکر داده و ارشاد می‌شوند و از والدین آن‌ها تعهد اخذ می‌شود و سپس در صورت عدم رعایت، حکم اخراج و محروم نگه داشتن آنان از ادامه تحصیل، داده خواهد شد"



اعتراف رییس بانک مرکزی به در ماندگی رژیم در عرصه اقتصاد

نوربخش رئیس کل بانک مرکزی طی سخنانی که در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ آذرماه درج شده است اعتراف کرد که جمهوری اسلامی در "شرایط سخت اقتصادی" بسر می‌برد. وی اظهار داشت در چنین شرایطی برای دادن نقش بیشتر به بخش خصوصی در زمینه مسکن باید تسهیلات تازه‌ای فراهم شود. او گفت: "بخش مسکن به علت آنکه نیاز به منابع ارز خارجی ندارد در شرایط سخت اقتصادی و در شرایطی که دیگر بخشهای اقتصادی کشور به لحاظ تکنولوژی ارزی با مشکل روبرو هستند، می‌تواند در کل اقتصاد کشور یک تعادل نسبی ایجاد کند."

وی میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان‌های جدید در سال ۶۲ را معادل ۸۸۴ میلیارد ریال اعلام نمود و در عین حال خواهان فعالیت گسترده‌تر این بخش در مشارکت با بانک‌های تجاری در زمینه مسکن گردید.

اظهارات نوربخش بدین معنی است که پیمانکاران ساختمانی و ساز و بفروش‌ها از این پس با شرایط سهل‌تری از وام و اعتبار بانک‌ها استفاده خواهند کرد.

"اجاره صنایع به کمپانی‌های جهانی"

معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع طی مصاحبه‌ای به تکنسین‌های ارزش صنایع طی سال‌های اخیر پرداخت و گفت: "برای بهره‌برداری صحیح و مالوب از صنایع موجود کشور نزدیک به ۵/۶ میلیارد دلار نیاز ارزی داریم". وی افزود که میزان ارز تخصیصی به وزارت صنایع در سال ۶۲ حدود ۲۰۸۰ میلیارد دلار بود و این رقم در سال ۶۴ معادل ۲۰۰۵ میلیون دلار بود که با ۵۰۰ میلیون دلار ارز نسبه (بوزانس)، معادل نصف ارز لازم برای صنایع می‌باشد.

وی سیاست وارداتی جمهوری اسلامی را بنابر کسری بودجه ارزی، چنین تبیین کرد: "ما نیز تخصیص ارز به واحدها را به ۲ طبقه کالاها حیاتی، کالاهای ضروری و سرانجام سایر کالاها تقسیم می‌کنیم."

یکی از نکات مهم در سخنان معاون وزارت صنایع، اعلام رسمی سپردن صنایع کشور به انحصارات امپریالیستی است. وی این مطلب را بدین صورت بیان داشت:

"طرح جدیدمان به این صورت است که در برخی از صنایع که ظرفیت‌شان خالی است باید کشورهای کمپانی‌های جهانی قراردادهای منعقد می‌کنیم تا مواد اولیه را به این صنایع بدهند و تولید حاصله را در اختیار همان کشور یا کمپانی قرار بدهیم... این طرح اجاره دادن صنایع مان به دیگر کشورها می‌شود."

هیات اقتصادی ترکیه در ایران

روز پنجشنبه ۵ دی ماه، یک هیات اقتصادی

ترکیه به ریاست وزیر مشاور در امور اقتصادی آن کشور وارد تهران شد. هدف از سفر این هیات، گسترش مناسبات بازرگانی، صنعتی و ترابری ذکر شده است. میزان مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه طی سال گذشته معادل ۲/۲۰۰ میلیارد دلار اعلام شده است.

سفر این هیات اقتصادی در شرایطی صورت می‌گیرد که تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه به زودی به تهران سفر خواهد کرد. پیش بینی می‌شود مسافرت اوزال رابطه حسنه میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم نظامی ترکیه را با زخم گسترده‌تر نماید. اوزال روز ۱۲ دی ماه رهسپار تهران خواهد شد.

بودجه جنگی باز هم افزایش می‌یابد

علیرغم کاهش چشمگیر درآمدهای دولت در سال جاری بر جیلج هتکفت هزینه‌های نظامی باز هم افزوده خواهد شد. این مطلب را مسعود روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه طی مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات بیان داشت. وی گفت: "بودجه سال آینده در ردیف جنگ ۱۲ درصد رشد نشان می‌دهد و بودجه‌های نیروهای مسلح (اعم از نظامی و انتظامی) نیز بین ۱۰ تا ۱۵ درصد رشد داشته است... سعی شده است که نیازهای مالی ارگان‌ها و دستگاه‌های نظامی عینا پرداخت شود، در صورتی که متقابلا در بعضی از دستگاه‌ها نیز رشد منفی یا در حد صفر بودجه داشته ایم."

لازم به ذکر است که بنابه گفته حسین موسوی نخست وزیر در سال گذشته بیش از ۴۰ درصد از بودجه صرف امور نظامی شده بود.

مسعود روغنی ذکر نکرد که "بعضی از دستگاه‌ها" بلکه بودجه‌شان دچار رشد منفی شده است شامل کدام یک از واحدهای دولتی می‌شود. اما گزارش‌های مستقل حاکی است که از بودجه عمرانی به میزان زیادی کاسته شده و در موارد متعددی به کلی حذف شده است.

می‌خواهند همه را روانه جبهه کنند

تبلیغات و تدارکات برای راه‌اندازی "کاروان‌های کربلا" ادامه دارد. در همین راستا سپاه پاسداران از کلیه نیروهای متخصص و کارمندان دولت خواست تا جهت رفتن به جبهه به مراکز معینی مراجعه کرده و ثبت نام نمایند. از دانش‌آموزان و دانشجویان نیز خواسته شد تا برای اعزام به جبهه آماده شوند. مقامات دولتی برای جذب نیرو و بسیج آنان به جبهه‌ها دست به اقدامات گسترده‌ای زده‌اند و از جمله در مورد دانشجویان و دانش‌آموزان با ارایه امتیازاتی در زمینه تحصیل، تلاش دارند نیروی بیشتری را گرد آورند.

حملات هوایی ادامه دارد

رژیم عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور، دوبار به شهر هویزه حمله کرده‌اند. در مقابل ستاد

مشترک جنگ نیز اعلام کرد که نیروی هوایی جمهوری اسلامی، طی روزهای اخیر دوبار به تاسیسات نظامی شهر الحاره عراق حمله کرده و در ضمن یک حمله هوایی در ناحیه شمال غربی پایگاه فکه نیز گزارش شده است. تاسیسات نفتی ترمینال خارک و یک نفتکش بزرگ نیز توسط عراق مورد حمله قرار گرفته‌اند. خیرگزاری‌های خارجی گزارش داده‌اند که ایران به یک کشتی بزرگ که راهی کویت بوده است، حمله کرده است. مقامات دولتی جمهوری اسلامی پیرامون این خبر سکوت کرده‌اند.

رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، ضمن گزارش خبر حمله عراق به هویزه، عنوان نمود که جمهوری اسلامی حمله به مناطق مسکونی ایران را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. و این در حالی است که رژیم عراق اعلام کرده است که در صورت وقوع هرگونه حمله‌ای، مناطق غرب کشور و تاسیسات نظامی و صنعتی را بمباران خواهد کرد.

آموزش نظامی برای دانش‌آموزان

اجباری است

با آن که پیش از این اعلام شده بود که طرح آموزش نظامی برای دانش‌آموزان در سال آینده به اجرا درخواهد آمد، ولی قائم مقام بسیج کل کشور اعلام کرد که آموزش نظامی در کلاس‌های دوم راهنمایی تا آخر دبیرستان اجباری است و هم اکنون کتاب آموزش نظامی سال دوم راهنمایی در دست چاپ است. وی در ضمن اعلام کرد که این طرح به دانشگاه‌ها هم تعمیم و گسترش داده خواهد شد.

اقدامات تازه برای آموزش و جذب

ساواکی‌ها

حجت الاسلام ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی، روز ۲۲ آذر ماه اعلام کرد که مدرسه تربیت جاسوس و شکنجه‌گر بزودی تاسیس خواهد شد. این مدرسه تربیت ساواکی، "دانشکده اطلاعات" نام گذاری شده است. وزیر ساواک جمهوری اسلامی هیچگونه اطلاعی در زمینه زمان، چگونگی تدریس واحدهای درسی این دانشکده نداد.

از سوی دیگر رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه روز ۲۲ آذرماه، ساواکی‌هایی را که تا امروز نیز به کشور بازنگشته‌اند دعوت به بازگشت به کشور نمود. او گفت: "ما هیچ وقت ننگفته‌ایم اینها بروند، خوب بیایند... برگردند بیایند، کسی به آنها کاری ندارد، گناهان کوچکشان بخشیده می‌شود، این ساواکی‌هایی که ما اینقدر طرفشان بودیم، حلاکی از اینها در زندان است."

برکناری استانداران ادامه دارد

به دستور وزیر کشور، سه استاندار دیگر نیز معزول شدند و به جای آنها افراد تازه‌ای منصوب گردیدند. معزول شدگان استاندارهای آذربایجان غربی، ایلام و سیستان و بلوچستان می‌باشند.

رژیم، مسئول مستقیم سوانح حین کار

* در شرکت صنایع دریایی بوشهر، در روز ۱۴ آبان ماه کارگر بر شکاری در اثر سانحه حین کار کشته شد. شش ماه قبل نیز در همین شرکت، دو کارگر رنگ کار بر اثر انفجار به شکل فجیعی کشته شدند. شرکت به عنوان خسارت، تنها مبلغ ناچیزی به خانواده‌های مقتولین پرداخت نمود. سوجویی، بی‌اعتنایی به جان و سلامتی کارگران و فقدان نظارت بر نصب وسایل و تجهیزات ایمنی در کارخانه‌ها باعث بروز این حوادث دلخراش است. در همین شرکت، رئیس اداره کار استان بوشهر، که ساعتی پس از وقوع سانحه برای کارگران سخنرانی می‌نمود، در مقابل کارگرانی که پیگیرانه خواست‌های خود را مطرح می‌ساختند چاره را در ترک فوری محل یافت.

* در معدن سنکرو لوشان در روز ۱۳ آبان، دو کارگر معدن به نام‌های علی‌پور دیلمانی و مختار آقایی کشته شدند. قبل از این فاجعه بارها کارگران نسبت به فقدان وسایل ایمنی و خطر ریزش تونل هشدار داده بودند، اما هیچگونه توجهی به این هشدارها نشان داده نشد. در روز حادثه نیز به دلیل خطر ریزش تونل کارگران به طور دسته جمعی از ورود به معدن خودداری کردند و مسئولین را از خطر ریزش آن آگاه ساختند اما در مقابل، مسئولین با تهدید کارگران را وادار به رفتن به معدن ساختند که در باقی‌ماندن پس از ورود کارگران تونل ریزش نمود. کارگران معدن سنکرو لوشان از ابتدایی‌ترین حقوق و امکانات بی‌بهره‌اند. دستمزد ناچیز آنان نیز با تاخیر یکماه پرداخت می‌گردد.

اعتصاب در کارخانه استارلایت و قتل یک کارگر

به دنبال خودداری مدیریت کارخانه استارلایت از پرداخت حق پورسانت، کارگران کارخانه دست به

وضعیت اسف بار آموزش و پرورش در خرم آباد

در آبانماه، دانش آموزان دبیرستان رفیع پور خرم‌آباد در اعتراض به فقدان امکانات آموزشی و نیز برای کسب حق استفاده از آزمایشگاه، از حضور در کلاس درس سرباز زده و دسته جمعی به طرف اداره آموزش و پرورش راهپیمایی کردند. مسئولین در واکنش نسبت به این حرکت اعتراضی دانش آموزان معترض را از دبیرستان اخراج نمودند. اما دانش آموزان از پانزدهمین روز به دست زدن به اقدامات جمعی مسئولین را وادار کردند پس از دروز احکام اخراج را لغو نمایند.

در استان لرستان در سال جاری وضعیت آموزش و پرورش از همیشه اسفبارتر شده است و تاکنون که مدتی طولانی از آغاز سال تحصیلی سیری می‌شود، هنوز کمیود وسایل آموزشی از قبیل کتاب، میز و نیمکت بر طرف نشده است. کمیود معلم نیز مشکل دیگر دانش آموزان است. طبق یک برآورد در خرم‌آباد و یازده منطقه تابعه، کمیود معلم به حدود ۷۰۰ تن می‌رسد. به این خاطر هنوز بسیاری از کلاسها فاقد معلم است.

کم کاری زدند به طوری که تولید روزانه هر کارگر از ۱۲۰ جفت به ۱۰۰ جفت کاهش یافت. مدیریت عامل کارخانه به جای پذیرش خواسته کارگران، دستور داد از حقوق ماهانه کارگران مبلغ ۴۵۰۰ ریال کسر گردد. این اقدام مدیریت را کارگران با اقدام به یک اعتصاب کوتاه مدت پاسخ گفتند.

چند روز پس از این اعتصاب یکی از کارگران فعال در این حرکت در جاده کرج به قتل رسید. کارگران معتقدند که قتل این کارگر به دستور مدیریت کارخانه صورت گرفته است.

مقاومت دلیرانه مردم قلعه حسن خان در مقابل پاسداران رژیم

مامورین تخریب شهرداری در پناه پاسداران مرتباً به محله فقیر نشین قلعه حسن خان یورش می‌برند. اما حملات آنان جهت تخریب منازل مردم این محله تاکنون به شکست انجامیده است. یکی از آخرین موارد این یورش‌ها در روز بیست و یکم آبان‌ماه اتفاق افتاد که با هشیاری و اقدام دلیرانه مردم این محله ناکام ماند، مامورین تخریب شهرداری یافت آباد که به وسیله چهار ماشین پاسداران کمینته همراهی می‌شدند به خاطر وجود نخبه‌انانی در گوشه و کنار محله نتوانستند مردم را غافلگیر کنند و با مقابله جمعی آنان مواجه شدند و علیرغم تیراندازی مجبور به گریز از محل گردیدند. پاسداران در حین گریز فردی را که قصد داشت راه گریز آن‌ها را سد کند دستگیر ساخته و با خود بردند. مردم قلعه حسن‌خان نیز در مقابل، یکی از لودرهای شهرداری را به غنیمت گرفتند و خواستار مبادله فرد زندانی با این لودر شدند. مامورین رژیم نیز پس از این که تهدیدات خویش را بی‌ثمر یافتند به ناگزیر به این مبادله تن دادند.

خوانین، روستاها را قبضه کرده‌اند

امان الله خان عامری از فئودالهای بزرگ استان کرمان است. وی پس از انقلاب متواری شده و

به خارج کشور گریخته بود. وی مدتی قبل با پشتیبانی مسئولین جمهوری اسلامی به کشور بازگشت و املاک سابق خود را مجدداً تصاحب نموده و به ایداً و آزار دهقانان پرداخته است.

این شخص در روستای ده میرزا از توابع بخش راین (در شهرستان بم) در محدوده قنات اهالی روستا اقدام به حفر چاه عمیق کرد که در نتیجه آن قنات خشکید و روستائیان خانه خراب شدند.

ضبط احشام روستائیان، برای وصول وام‌های رژیم شاه

پس از پیروزی انقلاب بازپرداخت وام‌های دریافتی روستائیان از شرکت‌های تعاونی روستایی متوقف شده بود و مسئولین، در آن زمان به‌ناگزیر ابطال این وام‌ها را پذیرفته بودند. اما اخیراً در شهرستان فوس فشار شدیدی را جهت وصول وام‌های دریافتی اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی به کشاورزان وارد می‌کنند. نیاز دولت به پول برای تامین جیبه‌های جنگ به عنوان دلیل وصول این وام‌ها اعلام شده است. در مواردی حتی احشام روستائیان را نیز در ازای اقساط وام ضبط کرده‌اند. دست اندرکاران رژیم خمینی حتی بهره چندساله وام و زیان دیرکرد آن‌را نیز مطالبه کرده‌اند.

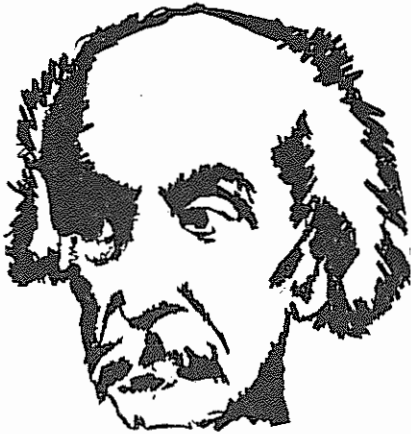
ادعای مالکیت خانه‌های مسکونی مردم

رژیم ولایت فقیه، دانشمندی گسترش اموالی است که با نام وقف در تملک خویش دارد. زمین‌های اهالی نعمت آباد واقع در اطراف تهران از نمونه‌های آن است. اهالی نعمت آباد چند سال پیش زمین خانه‌هایشان را از یک سرهنگ زمینخوار خریداری کردند. اما هیات زمین‌های وقفی آستان قدس طی ابلاغیه‌ای به تاریخ ۲۰ مهر مالکیت اهالی را بر زمین‌های خانه‌هایشان غیرقانونی و غیرشرعی اعلام کرده و ادعای مالکیت این زمین‌ها را نموده است. ساکنین محله نعمت آباد مصممند در مقابل این ادعای بی‌پایه و بیاج خواهی مسئولین رژیم خمینی ایستادگی کنند.

طرح تزیین و تزیین مغازه‌ها

در شهریور ماه از طرف "مقامات ذیصلاح" به فروشندگان پوشاک تهران، به ویژه خیابان مصدق و پاساژ صفویه دستور داده شد که باید ویتترین مغازه‌های خود را طبق نظر دولت دکوربندی کنند. به فروشگاه‌ها اعلام شد که حق ندارند ویتترین مغازه‌هایشان را به شکل "سه‌بعدی" دکوربندی کنند. چرا که ویتترین "سه‌بعدی" تحریک آمیز تشخیص داده شده است. دکور "یک بعدی" نیز باید به گونه‌ای باشد که ارتفاع اجناس داخل ویتترین از ارتفاع کردن یک آدم معمولی بالاتر نرود. طوری که بتوان داخل مغازه را از بیرون دید. آویزان کردن کفش داخل ویتترین، از دیگر عوامل تحریک آمیز ضد اسلامی به حساب آمده و ممنوع شده است.

به گجای این شب تیره بیاویزم قبای زنده خود را



وای برمن!
در شبی تاریک از اینسان
بر سر این کله‌ها جنیان
چه کسی آید نداشت گذارد پا؟

ظلمت فراگستر شده است. چشم، چشم، چشم، رانمی بیند، خون و مرگ است و قطار کشتگان. راه بیمودن در چنین ظلمتی دشوار است. تاریکی، نادانی است، همانگونه که دانائی، روشنائی. آنکه نمی داند، تاریک است و آنکه در تاریکی می گذرد، ممکن است ندانسته، بر کله‌های جنیان، پایبگذار. آنها را ندیده بگیرد. آنها را نشناسد و حتی نبیند که این سرهای بریده مرده و بی حرکت شده اند، در جنبش و حرکت اندو حرکت را بشارت می دهند و پویش و زندگی را پاس می دارند و درکنار آنها، "دشمن مطرود" که توسط خلائق طرد شده و اینک برای بقای خویش به فسون و مکر متوسل شده است، دست در کار خیانت خویش است. در چنین شرایطی، در چنین شیئی، چه کسی در شیبور نجات خواهد دید؟ چه کسی تاریکی را خواهد شکافت تا از پس آن روز و روشنائی را به مردم ارمغان کند؟ از تکان کله‌ها آساکوت این شب سنگین کاندرا آن هر لحظه مطرودی فسون تازه می بافت کی که بشکافت؟

اما، آیا به راستی در تاریکترین شب‌ها، در سلطه خونخوارترین خفاشان، دیگر جای امید و روشنائی نیست؟ اگر چنین باشد آن یاس مطلق جانکاه فرا خواهد رسید و همه چیز را خواهد بلعید. تاریکی ابدی خواهد شد و امید برای همیشه رخت خواهد بست. اما زمان ما، زمان امیدها، دانائی‌ها و قیام‌هاست، هر دشمنی اگر بتواند بخش وسیعی از مردم را نابود کند، همه مردم را نمی تواند تباہ گرداند. همواره در تاریکترین شب‌ها، هستند ستارگانی که از تن سپردن به فساد تاریکی تن زده باشند و از وجود خویش برای طلوع و شکافتن ظلمت حراست کرده باشند. نیما جراح جامعه است، نیما شاعری است که چشم اندازی از امید به آینده و پیروزی نور بر تاریکی دارد. نیما می شناسد آن ستارگان وارسته از فساد را که منتظر لحظه مقدس زایش دوباره اند، زایش دوباره انقلاب.

نزدیک به ۵۰ سال از سرایش شعر "وای برمن" توسط نیما گذشته است. اما هنوز استعاره ها و سمبل‌های آن ما را به مضمونی رهنمون می گردد که قوت و کارائی خویش را وانفاده است. و بدینگونه است سرنوشت شعری که منطبق بر روح زمان خویش و بازتابنده آن باشد. به شعرنگاهی تازه بیفکنیم.

کشتگام خشک ماند و یکسره تدبیرها
کشت بی سود و نثر
چه تدابیر بسیاری که برای سبز کردن، آبادی
به تشیدن و به میوه نشانند "کشتگاه" اندیشیده و
به کار گرفته شده، اما دریغ تدبیرها، سودی
نبخشیدند و "کشتگاه" همچنان خشک ماند نیما
نمی گوید خشک شد چرا که از ابتدا نیز سبز نبوده است
و رتب بهار را ندیده است بلکه با بکارگیری فعل
"ماند" به تداوم این خشکی اشاره می کند. اما چه
نیروئی مانع از طول بهار در باغچه است؟ چه نیروی
تاریخی است که نمی گذارد سبزی و سبزینگی، طراوت
و بهار، به سرزمین ما رد کند؟

تنگنای خانه ام را یافت دشمن با نگاه حیل
- اندووش

دشمن حیل گرانه و نه مردانه و رویارو، به خانه
ما، به کشتگاه ما آمد و پس از سفت کردن جای پاهایش
خانه به خانه به جستجوی میارزان پرداخت و کمر به
کشتار و قتل دلباختگان وطن بست.

وای برمن! می کند آماده بهر سینه من تیرهایی
که به زهر کینه آلوده ست.

دشمن، کشته است و مرگ دوست، دشمن مرگ
را روا می دارد و رایج می کند و به کرسی می نشاند.
دشمن، مرگ اندیش است و ریشه این
مرگ اندیشی اش در گذشته‌هاست. این دشمن بطور
تاریخی، دوستدار مرگ برای ما بوده و هست. او با
"قبرهای کهنه" پیوند دارد. او از قبرهای کهنه ریشه
می گیرد و بر بستر مرگ اندیشی اش "جاده های
خونین" می سازد و "کله های مردگان" و به تعبیری
پیکر جان باختگان راه آزادی و سعادت را روی هم
می چیند تا برای خود مفری فراهم آورد.

پس به جاده های خونین، کله های مردگان را
به غبار قبرهای کهنه اندوده

از پس دیوار من بر خاک می چیند
اما آتیا عطش "دشمن" این مبشر مرگ و تاریکی،
این پیامبر خون و شکنجه با کشتن بخشی از مردم
انقلابی فرو می نشیند؟ نه. او حتی برای شکنجه
بازماندگان کشته ها نیز به هزار ترفند دست می یازد.
او در میان سرهای بریده و جسد های سوخته و سینه های
سوراخ سوراخ شده می نشیند و با رجز خوانی به زجر
دادن مردم می پردازد.

وزیبی آزار دل آزرندگان
در میان کله های چیده بنشیند
سرگذشت زجر را خواند،

پنداری نیما هنوز زنده است و با ما از میهن
داغ دیده مان سخن می گوید. پنداری او هنوز از درون
جنگلها و کوستانهای پوش "شب" در دناک و طولانی و
خونین راکه برفلات ما بال گسترده است به ما هشدار
می دهد؛

شانزدهم دی ماه برابر است با بیست و
ششمین سالگرد درگذشت نیما یوشیج. نیما پدر
شعر نثر فارسی است. او با شهامت
و ایستادگی، سنت‌ها را شکست و در زمینه
صورت شعر، محتوای شعر و زیبایی شناسی شعر،
طرحی نو در افکند. او صلابتی در افکند که
همگان را، مگر مردگان و متحجران را به
مصداق واداشت و این صلابت آن سان برطنین و
شفاف و رسا بود که همواره متمایز خواهد
ماند. و سالها نیز که بگذرد جدا از تاثیرش به
صورت موجی که به پا کرد، خود دلها را به
تهییدن و خواهد داشت و مغزها را به
اندیشیدن. در سالگرد درگذشت نیما بر روی
بکی از اشعار او تامل می کنیم.

وای برمن

کشتگام خشک ماند و یکسره تدبیرها
کشت بی سود و نثر

تنگنای خانه ام را یافت دشمن با نگاه حیل اندووش
وای برمن امی کند آماده بهر سینه من تیرهایی
که به زهر کینه آلوده ست.

پس به جاده های خونین کله های مردگان را
به غبار قبرهای کهنه اندوده

از پس دیوار من بر خاک می چیند
وزیبی آزار دل آزرندگان

در میان کله های چیده بنشیند
سرگذشت زجر را خواند.

وای برمن!

در شبی تاریک از اینسان
بر سر این کله ها جنیان

چه کسی آید نداشت گذارد پا؟
از تکان کله ها آساکوت این شب سنگین

- کاندرا آن هر لحظه مطرودی فسون تازه می بافت -
کی که بشکافت؟

یک ستاره از فساد خاک وارسته
روشنائی کی دهد آتیا

این شب تاریک دل را؟
خارین ای خارین!

بگنید از راه من بی هیچ گونه فکر
دشمن من می رسد، می گویم بر در

خواهم برسد نام و هر نشان دیگر.
وای برمن!

به گجای این شب تیره بیاویزم قبای زنده خود را
تا کنم از سینه بر درد خود بیرون

تیرهای زهر را دلمون؟
وای برمن!

یک ستاره از فساد خاک وارسته

روشنایی کی دهد آبا

این شب تاریک دل را؟

شاعر بی تاب آن لحظه مقدس است و چشم براه ، آنهم نه چشم برای منفعل ، بلکه کسی که خود قلم بدست گرفته و با تشریح اوضاع حاکم برجایه به ریشه افشانی داناتی کمک می رساند. پرسش او نه از روی و اماندگی که از روی اشتیاق و عمل است. او انسانی است که درین رهگذار، خود نیز چنگ در گریبان ظلمت فرو برده است و از این روی ، دشمن در جستجوی اوست تا قتلش را کمر به بندد.

عابریں! ای عابریں!

بگذرید از راه من بی هیچ گونه دشمن من می رسد، می گویدم بر در خواهدم پرسید نام و هر نشان دیگر

این بند را شاعر با کلمه "عابریں" می آغازد. کسانی که زنده اند و راه می پویند و تاریکی نتوانسته است آن ها را اسیر زمین گیر و خانه نشین کند، پس "عابریں" از ابتداءم بوده اند.

اما شاعر، که در این جاسمیلی از همه ی "پیداران" است. در رویارویی با "دشمن" زخم خورده است. او نظاره گری حاشیه نشین نبوده، بلکه خود در میدان عمل و آگاهی به ستیز با دشمنان مردم برخاسته و از این رهگذار اینک تیرهای زهر آلود و خونینی در سینه اش نشسته است. شاعر برای ادامه حرکت خود نیاز به تیمار دارد و فرصتی تا تیرهای خلیده بر سینه اش را برون کند و به تیرد حماسه ساز و سرنوشت ساز خود ادامه دهد.

به کجای این شب تیره بیاویزم قیای ژنده خود را تا کشم از سینه ی پر درد خود بیرون

تیرهای زهر را دلخون؟
وای بر من!

شعر "وای بر من" بیان دیگر اشعار نیمه، به راستی آئینه ای از مبارزه مدام مردم ما و ستم همواره ای است که بر آنان رفته است، مردمی که هر بار می ایستند، تا تیرهای زهر آلوده را از سینه پر درد خود بیرون بکشند و به تیرد خویش ادامه دهند

محکومیت رژیم در گردهمایی نیروهای صلح و ترقی

بقیه از صفحه اول

در دومین روز کنفرانس، تظاهرات بزرگی بمناسبت اولین سالگرد فاجعه دردناک بوپال برگزار گردید. فدائیان و توده ای ها در این تظاهرات فعالانه شرکت جستند و با حمل پلاکارتهایی در محکوم نمودن جنایت مسئولین کارخانه بیونیون کارباید و در ابراز انزجار از ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق و در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، به افشای جنایات امپریالیسم و ارتجاع پرداختند.

علاوه بر این فدائیان خلق و توده ای ها، نمایندگان عسکی از خرابیهای جنگ خانمانسوز ایران و عراق و تصاویر شهدای سازمان و حزب در محل کنفرانس برپا نمودند. بیش از صد هاتن شرکت کننده که از غرفه ایران دیدار کردند، کارت دفاع از جان رفیق لطفی را امضا و برای سفارت ایران در دهلی ارسال نمودند.

در میان اشخاصی که این کارت را امضا کردند، نام شخصیت های مشهور زیر دیده می شود:

۱- خانم پرین چاندرا مسئول کل سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان و همسر امش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح

۲- ایندراجیت گوپتا، رئیس اتحادیه سراسری کارگران هندوستان و رئیس جناح پارلمانی حزب کمونیست در پارلمان هندوستان

۳- هومیف داجی، معاون رئیس اتحادیه سراسری کارگران هندوستان و عضو شورای ملی حزب کمونیست

۴- پ- خالاس، روزنامه نگار، نویسنده مشهور و مدیر برگزاری کنفرانس

۵- پرفسور یو - باکسی، حقوقدان و استاد دانشگاه دهلی

۶- ام. ذوبیری، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی، متخصص در بخش خلع سلاح و بمب های شیمیایی.

* روز ۲۲ نوامبر (دوم آذر) دومین کنفرانس اتحادیه حقوقدانان سراسر هندوستان در شهر دهلی برگزار شد. بنا به دعوت این اتحادیه فدائیان خلق در کنفرانس شرکت جستند و به افشای جنایات رژیم خمینی پرداختند.

شرکت کنندگان در کنفرانس تیهکاری های رژیم را محکوم نمودند. همچنین در همبستگی با فدائیان خلق،

"ار - پی - چوک" وکیل دادگستری و رئیس اتحادیه سراسری حقوقدانان هندوستان و یازده تن از اعضای سرشناس این اتحادیه، کارتی را در دفاع از جان زندانیان فدایی امضا و برای مسئولین رژیم جمهوری اسلامی ارسال داشتند.

* بیش از ۱۷۲ تن از شخصیت های برجسته سیاسی، اجتماعی و هنری در شهرهای دهلی، مدرس و آگرا نیز با امضای کارت مشابهی به دفاع از فدائیان در بند برخاستند. در میان امضا کنندگان نام برخی از رهبران حزب کمونیست هندوستان، اساتید دانشگاه، وکلای دادگستری، روزنامه نگاران برجسته و مسئولین اتحادیه های سراسری کارگران هندوستان و انجمن زنان دمکرات این کشور به چشم می خورد.

* در روزهای نخست آذرماه هشتمین کنفرانس ملی "فدراسیون جوانان سراسر هند" جنگ ایران و عراق را موجب تیره روزی مردم دو کشور دانسته، خواهان قطع فوری آن شده است.

کنفرانس مزبور همبستگی خود را با مردم و نیروهای صلح دوست ایران و عراق اعلام نموده و از تمامی ملل جهان تقاضا کرده است که همه تلاش های خود را برای پایان بخشیدن به این جنگ خانمان برانداز بکار گیرند.

این مطلب در ماهنامه زندگی جوانان چاپ هندوستان به چاپ رسیده است.

فرانسه

* در جریان یک گردهمایی سیاسی در شهر پاریس، "گی هر میه" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه و نماینده مجلس ملی این کشور، در اعتراض به کشتار فدائیان متن زیر را امضا نمود:

"ما ضمن محکوم کردن اعدام رهبران فدائیان خلق (اکثرت)، معصومین غبرائی عضو مشاور سیاسی، رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی و جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، توسط زندانبانان خمینی، تگرانی عمیق خود را نسبت به خطر مرگ که جان انوشیروان لطفی

عشو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، مبین پرست پیرو و دلبر و مبارز را در دمکراسی و عدالت اجتماعی را نهیدید می کند، ابراز می داریم.

متن فوق توسط صد هاتن از شرکت کنندگان در گردهمایی مزبور امضا و مورد تأکید قرار گرفت. از آن جمله اند: "رژی بیک مو" رئیس اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، "سرژگو" دبیر کشور و عضو دفتر کنوری اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه.

بریتانیا

کنفرانس اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا در روزهای ۶ تا ۹ دسامبر (۱۵ تا ۱۸ آذر)، با شرکت بیش از هزار نماینده در شهر بلاكبول انگلستان برگزار گردید.

در بخش بین المللی این کنفرانس، کمیسیونی به مسئله جنگ ایران و عراق پرداخت که با استقبال جمعی کثیری از نمایندگان مواجه گردید.

"جیم کاولی" از طرف ملیت

اجرائیه اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا، ضمن ارائه گزارش کار اتحادیه در این رابطه، به مسئله همکاری با جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت) - بریتانیا، طی سال گذشته اشاره نمود. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "ما از تمامی سازمانهای دانشجویی ترقیخواه که تحت سرکوب و فشار رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق هستند حمایت کرده و سرکوب این نیروها را محکوم می کنیم... جوانان فدایی در کنار جوانان کنگره ملی آفریقا و جوانان سوپا با اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا همکاری می کنند."

جوانان فدایی که در این کنفرانس حضور داشتند با برپایی نمایشگاه و توزیع اعلامیه های افشاگرانه علیه سیاستهای ضد انسانی رژیم پلید خمینی، شرکت کنندگان را در جریان آخرین رویدادهای سیاسی ایران قرار دادند. بیش از پانصد نفر کارت پستال های دفاع از جان رفیق انوشیروان لطفی را امضا کردند. ملیت اجرائیه اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا، رهبر اتحادیه دانشجویان جمهوری ایرلند، رهبر دانشجویان کمونیست (بریتانیا)، رهبر سازمان دانشجویان حزب کارگر بریتانیا و رهبر اتحاد چپ (دانشجویان بریتانیا) از جمله امضا کنندگان این کارت بودند.

در آستانه پانزدهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان

فدائیان و جنبش دهقانی

یکی از برجسته ترین دستاوردهای حیات ۱۵ ساله سازمان ما، تحکیم زمینه های عینی و ذهنی میسر و موثر برای پیوند جنبش انقلابی با جنبش دهقانی است. در عرض این ۱۵ سال کارنامه جنبش انقلابی در زمینه کنار در میان دهقانان، در درجه اول از طریق رابطه فدایی با جنبش دهقانی تبیین می شود.

کارنامه فعالیت یک سازمان انقلابی در میان دهقانان، یکی از مهمترین شاخص های میزان توده ای بودن آن سازمان است. سازمان ما، تشکیلاتی توده ای و سرتاسری است. پیوند ما با جنبش دهقانی یکی از شاخص های اصلی این خصیصه سازمان ماست.

توجه به روستا از روز نخست

ما از روز نخست، توجه ویژه ای به روستا داشته ایم. رفیق سعود احمدزاده نوشته بود "برای شکست ارتجاع باید توده های وسیع روستایی را به میدان مبارزه کشید."

در اسناد اولیه سازمان، توجه به روستا عمدتاً از زاویه پراکتیک مسلحانه صورت می گیرد. در این اسناد پاسخ سوال "چرا باید در روستا کار کنیم" از زاویه تحلیل طبقاتی و مرحله انقلاب بدیهی انگاشته شده و به نیازهای عملی اولویت داده شده است. به تدریج الزامات جنبه دوم، توجه بیشتر و دقیق تر بر روی جنبه اول را که حکم پایه و مبنا را دارد، ضروری ساخت. رفیق جزئی در این زمینه تحلیل های ارزشمند و ارزنده ای ارائه نمود که بسیار راهگشا بودند.

پویایی همواره یکی از خصایص عمده سازمان ما بوده است. ما نشان داده ایم که همواره برای آموختن توانایی داریم. ما مدام آموخته های خود را نقد کرده ایم، از تجربیات تلخ و شیرین درس گرفته ایم و شناخت های خود را تعمیق بخشیده ایم. شناخت ما از روستا نیز همپای تکامل دیدگاه های عمومی سازمان، دقت و شفافیت یافته است. تکمیل و تدقیق نظرگاه های سازمان در زمینه مسائل دهقانی و ترویج آن در سطح جنبش، به انزوی بسیاری از دیدگاه های اعتراضی رایج در آن زمان، به ویژه دیدگاه های مائوئیستی انجامید.

ما برای شناخت روستا به تماس نزدیک با آن رو آوردیم. نمره

از انقلاب بهمین، در این مراکز جنبش دهقانی حضور آشکاری داشتند و با توده دهقانان پیوندهای استواری یافتند. در میان این مراکز، ترکمن صحرا به لحاظ ژرفی که جنبش یافت و حضور بارزی که سازمان ما در آن داشت برجستگی خاصی دارد.

نمونه ترکمن صحرا

بلافاصله پس از پیروزی قیام، جنبش دهقانی در ترکمن صحرا، با هدف خلع ید از زمین داران بزرگ در اکثر روستاهای این منطقه، گسترش یافت. حرکت تقریباً خودبخودی آغاز شد اما به زودی به ویژه پس از تشکیل "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" با عنصر پیشاهنگ گره خورد. از همان ابتدا صف بندی نیروها بدین گونه بود که در یک سو دهقانان و زحمتکشان و روشنفکران ترکمن و سازمان پشتیبان آنان که همانا سازمان ما بود قرار داشت و در سوی دیگر زمینداران بزرگ، مرتجعین محلی، ضدانقلاب مغلوب و مرتجعین رژیم جمهوری اسلامی. سرکوب بلافاصله آغاز شد، از نخستین روزهای "بهار آزادی". پاسخ زحمتکشان ترکمن به سرکوب ارتجاع روشن بود: مقاومت و تداوم جنبش که مظهر آن "زمین و شورا" بود. پاسخ سازمان ما نیز در اطلاعیه ۱۴ فروردین ۱۳۵۸ سازمان بدین صورت تجلی یافت: "ما در هر کجای ایران که هواداران سازمان وجود داشته و فعالیت می کنند، حضور خواهیم یافت و تلاش بیگیرانه خود

مشاهدات و بررسی ما و کنتاکت های سازمان در این زمینه، در مجموعه "تحقیقات روستایی" در اختیار جنبش قرار گرفت. سازمان ما برخورد با روستا را به لحاظ نظری از گفتارهای عام و به لحاظ پیوند عینی از صفر آغاز نکرد. بنیانگذاران سازمان ما و کادرهای اولیه آن اکثراً تماس نزدیکی با روستا داشته اند، برخی خود مستقیماً از دل روستا برون آمده اند و برخی موقعیت طبقاتی و اجتماعی شان تماس نزدیک و دایم با روستا را ایجاد می کرده است. بنابراین ما از آغاز برخورد از رویک پشتوانه نظری و تجربی و دارای یک سلسله ارتباطات عینی مساعد بوده ایم. این پشتوانه مدام تقویت گشت و آن ارتباطات و پیوندها دائماً گسترش یافت. بیپنده نبود که با شروع جنبش توده ای، ما بلافاصله توانستیم جای پای خود را در روستا مستحکم سازیم. انقلاب ما را به سمت گرانگه های جنبش دهقانی سوق داد. این امر بیش از آن که خود برانگیخته باشد، طبیعی بود. طبیعتاً می بایست چنین شود.

پیوند با توده دهقانان

نامزونی ناشی از یکسان نبودن ساله ارضی و دهقانی در همه مناطق ایران در حالی که باعث نمی شود ما نتوانیم از یک جنبش عمومی و سرتاسری دهقانی سخن بگوییم، موجب می گردد که این جنبش مراکز نقل معینی بیاید. فدائیان خلق پیش و پس



ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، یکی از نثرات رژیم فدائیان



را در راه محو ستم امپریالیسم و تأمین کامل حقوق دمکراتیک و پشتیبانی از منافع خلق های ستمکش میهن ادامه خواهیم داد. هواداران ما نیز در کنید موفق شده اند با محرومترین توده های ستمکش دهقان، پیوندی ناکستنی برقرار سازند. مامجده از منافع دهقانان بی زمین ترکمن در برابر غاصبان زمین های آنان حمایت می کنیم... ما در ترکمن صحرا بازگو کننده و پشتیبان حقوق دهقانان بی چیز و بی زمین و مخالف زمین داران بزرگ، غاصبان دوران پهلوی و مکنندگان خون ستمکشان بوده ایم."

علی رغم فشارها و سرکوب های مداوم، ترکمن صحرا منطقه شوراهای دهقانی شد. "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" که در ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ تشکیل شد، هدایت شوراهای ایجاد شده و تلاش در جهت گسترش جنبش شورایی را در دستور کار خود گذاشت. کانون سیاسی و فرهنگی و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا به سرعت در میان مردم محبوبیت یافتند و از پشتوانه توده ای عظیمی برخوردار گشتند. گام بعدی تشکیل اتحادیه های روستایی و سپس اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا بود. ترکمن صحرا به خاری در چشم ارتجاع بدل گشت: توطئه از پس توطئه آمد و یورش از پس یورش.

در اولین سالگرد انقلاب مرتجعین کینه خود را نسبت به دستاوردهای انقلاب در ترکمن صحرا نشان دادند. ددمنشانه ای آغاز گشت که در ادامه آن ارتجاع با ترور رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی، چهارتن فدایی دلیری که از رهبران خلق ترکمن بودند، نهایت سبعت خود را به نمایش گذاشت. سرکوب دیگر قطع نشد. اما جنبش آنچنان ریشه گرفته بود که برخی از دستاوردهای خود را به ارتجاع نیز تحمیل نمود.

هم اکنون نیز علی رغم سرکوب های متمادی و کنترل پلیسی ستکین در ترکمن صحرا دستاوردهای

دوره اعتلای جنبش دهقانی در این منطقه به وضوح آشکار است. مهمترین دستاوردها آگاهی است. دهقان ترکمن دیگر معنای شورا را می‌فهمد. می‌داند که با سرنگون کردن ارتجاع حاکم به چه شعاری باید تحقق بخشد. واژه‌های "زمین" و "شورا" برای دهقان ترکمنی معنای ملموس واژه "فدایی" است.

حضور در همه جا

بعد از انقلاب در هر حرکت عمده دهقانی به روشنی می‌توان نقش و تاثیر فدایی را با زیافت در کردستان نخست این سازمان مابود که بر پیوند بین عنصر ملی و عنصر طبقاتی انگشت نهاد و در راه بسیج دهقانان تلاش کرد.

در کردستان یک جنبه مهم مبارزه در راه رفع ستم ملی و طبقاتی مبارزه علیه قشر فئودال‌ها و خوانینی بوده است که همواره عامل دولت ستمگر مرکزی محسوب می‌شدند. سازمان مابه درستی تاکید کرد که تنها با بسیج دهقانان زحمتکش کرد جنبش ملی از یک پشتوانه پایدار برخوردار خواهد شد.

حضور ما در ترکمن صحرا، کردستان، فارس، گیلان و مازندران، خراسان، بلوچستان و سیستان، آذربایجان، مناطق مرکزی و هر جای دیگری که جنبش دهقانی توانمند بود و بایاری عنصر پیشرو اعتلای یافت، از جمله مهمترین عوامل طرح وسیع مساله ارضی و دهقانی در سطح جامعه بود.

تقریباً هیچ شماره "کار" را نمی‌توان یافت که در آن حرکت‌های دهقانی بازتاب نداشته باشد. این گونه پیوند وسیع با جنبش دهقانی فقط از یک شکل توده‌ای سرتاسری، همچون سازمان ما برمی‌آید. سازمان ما خواست‌های دهقانان را در سطح وسیعی در جامعه منعکس ساخت. انعکاس این خواست‌ها و تبدیل شدن آن به نیروی مادی و بسیج‌گر ارتجاع را عقب می‌راند و به دادن وعده و وعید و امی داشت. ارتجاع عقب می‌نشست، اما در همان حال قوای خود را متمرکز می‌ساخت تا دوباره هجوم آورد و عقب نشینی خود را جبران کند. این موضوع برد افشاکری را وسیع‌تر می‌ساخت. دهقانان به تجربه دریافته‌اند که مرتجعین در عمل، بردست بزرگ زمین‌داران است که بوسه می‌زنند و برای روستاها جز فقر و سرکوب و مذلّت ره آوردی ندارند.

رزم در وضعیت تازه

راندن بزرگ مالکان از روستا و مصادره زمین‌های غصب شده از آنان، شاخص عمده جنبش دهقانی در بسیاری از نواحی کشور در جریان انقلاب و دوره پس از آن بود. شاخص عمده دور دوم که هم اکنون نیز جاری است، مقاومت در برابر تلاش‌های حاکمیت برای بازگرداندن بزرگ مالک به ده و بازپس گرفتن زمین‌های مصادراست. در گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان در این مورد تاکید شده است:

"امروز رژیم قادر نیست بدون اسلحه و زندان، مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان، جنبش ضد بزرگ مالکی را زنده نگه داشته است. با اطمینان باید گفت بذری که در روستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفته که نه سرنیزه ژاندارم و سپاه و نه فریبکاری‌های مرتجعین، هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه زحمتکشان علیه بزرگ مالکی پایان دهد."

در این وضعیت تلاش برای گسترش بخشیدن به مقاومت دهقانان و انعکاس مبارزات آنان اهمیت ویژه‌ای دارد. سرکوب و پیگرد و حشیانه رژیم، پیوند ما را با روستا تگسسته است و ما اکنون نیز همه امکانات را به کار می‌گیریم تا این وظیفه را بگونه‌ای که شایسته یک سازمان طراز نوین طبقه کارگر است، به انجام رسانیم. نشریات ما اخبار مبارزات دهقانان را منعکس می‌سازد و تجربیات جنبش در این زمینه را جمع‌بندی می‌کند. گستردگی حجم اخبار و گزارشاتی که نشریه "اکثریت" از روستاهای کشور منتشر می‌کند. نمونه‌ای از امکانات بی‌بدیل ما در این زمینه است. شناخت وضعیت کنونی و رویدادهای روستاهای میهن، نشریات سازمان ما، منبع اصلی و جان‌نشین ناپذیر است.

تلاش ما تنها بعد تبلیغی را دربر نمی‌گیرد. فعالیت‌های سازمانگرا نه در دوره‌ای که ارتجاع قادر به ترکنازی نبود چنان پیوندهای استواری بین سازمان و جنبش دهقانی برقرار ساخته است که شمشیرخون‌ریز ارتجاع به هیچ رو قادر به قطع آن‌ها نیست. فدائیان، این پیوندها را مستحکم‌تر و مستحکم‌تر می‌سازند و فعالیت سازمانگرا نه و بسیج‌گر خود را برای متحد کردن و متشکل کردن دهقانان و اعتلا بخشیدن به مبارزات آنان پیگیرانه پیش می‌برند

بازتاب مسائل ایران در رسانه‌های جهان

فرانسه

* روزنامه پرتیراژ اومانیتیه ارگان حزب کمونیست فرانسه، در تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۲ آذر) به چاپ خبری تحت عنوان "اعدام فدائیان" پرداخت. این روزنامه به استناد اطلاعاتی نمایندگان سازمان در اروپا نوشت:

"سه تن از اعضای سازمان بعد از یک محاکمه ساختگی اعدام شدند. اعدام شدگان عبارتند از: محمد امین شیرخانی، عضو هیئت نمایندگی خلق کرد در مذاکرات با دولت در سال ۱۹۸۰، ابراهیم لطف‌الله زاده عضو سازمان و محمد شیرودی مسئول سازمان در مریوان."

"هر سه نفر در طول مدت بازداشت در زندان تحت شکنجه قرار داشتند و با مقاومت قهرمانانه خود هیچ‌یک از اسرار سازمان را فاش نساختند."

* آژانس خبری فرانسه در تاریخ ۹ دسامبر (۱۸ آذر) به اعلام خبر اعدام "سه تن از مسئولین کردستان" سازمان رفقا محمد امین شیرخانی (مینه)، محمد شیرودی و ابراهیم لطف‌الله زاده پرداخت و از این طریق مردم فرانسه را در جریان تبهکاری‌های تازه رژیم خمینی قرار داد.

آلمان فدرال

* تظاهرات خشماکین مردم فارس، که گزارش آن در شماره ۸۲ "اکثریت" به چاپ رسید، در حلبوغات مرفقی جهان بعنوان نشانه‌ای از مخالفت روز افزون مردم ایران با رژیم خمینی و رویارویی فزاینده آنان با ارگانهای سرکوب این رژیم بازتاب یافت. بعنوان نمونه، روزنامه "عصرما" ارگان حزب کمونیست آلمان در شماره ۲۰ دسامبر (۲۹ آذر) خودمقاله‌ای در این باره تحت عنوان "ایران: قهر خونین علیه ساکلین محلات فقیرنشین" به چاپ رسانده است. در این مقاله پس از شرح جریان مقاومت مردم فارس در برابر هجوم پاسداران، به نقش فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه توده‌ای اشاره شده است.

* نشریه ماهانه "آ.ای.ب" چاپ آلمان فدرال در آخرین شماره

خود خبر اعدام ۵۰ تن از انقلابیون اسیر ایرانی در اواخر شهریورماه سال جاری را به چاپ رسانده است. این نشریه از رفقا غیرایرانی، تابان و بی‌تاجی که در زمره این گروه از بخون خفتگان خلق بودند، نام برده است. نشریه "آ.ای.ب" همچنین نسبت به خطری که جان رفیق اثو شیروان لطفی مبارز سرشناس و عضو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تهدید می‌کند هشدار داده است.

اتریش

* روزنامه "فولکس اشتیمه" (صدای خلق) ارگان حزب کمونیست اتریش تحت عنوان "ایران: کارگران اتومبیل سازی از خود دفاع می‌کنند..." می‌نویسد: "از ژوئن ۱۹۸۵ در بزرگترین کارخانه مونتاژ اتومبیل تهران بنام ایران خودرو (ایران ناسیونال سابق) چند بار درگیری‌های جدی میان مدیریت و کارگران رخ داده است که برنده این درگیریها تا کنون کارگران بوده‌اند." این روزنامه پس به موارد مختلف مقاومت کارگران در برابر تصمیمات ضد کارگری مدیریت پرداخته و در خاتمه از نقش فدائیان خلق (اکثریت) در یاری رساندن به مبارزه کارگران یاد می‌کند.

گزارش مبارزات ایران ناسیونال در "اکثریت" شماره ۸۲ به چاپ رسیده است.

روزنامه صدای خلق گزارشی نیز درباره تظاهرات فارسان در شماره ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) خود درج کرده

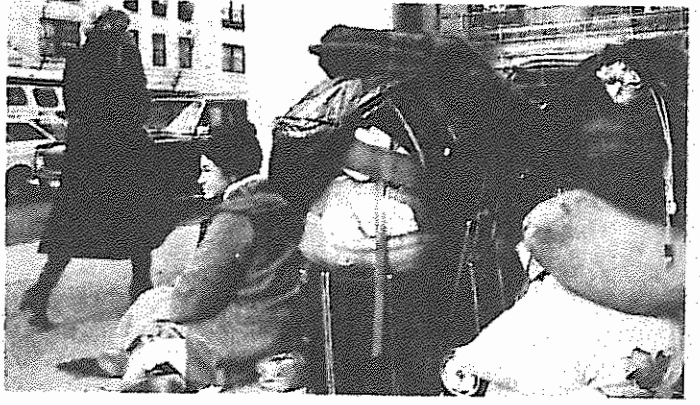
هندوستان

* در آخرین روزهای نوامبر (اوایل آذرماه) چهار روزنامه پرتیراژ شهر مدرس، "نیوز تودی"، "جاناسکتی، ماکوال کورال، مسلم، به چاپ خیر شهادت تعدادی از رهبران و کادریهای قهرمان سازمان مباردت ورزیدند و ضمن محکوم نمودن رژیم خمینی نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنوشت رفیق لطفی اعلام کردند.

* مجله لینک نیز در اول دسامبر (۱۰ آذر) سال جاری با چاپ مطلبی تحت عنوان "اعدامها در ایران ادامه دارد"، ضمن اعلام خبر اعدامهای تازه در ایران، به تجلیل از قهرمانی و ایثار جان باختگان فدایی و توده‌ای پرداخت.

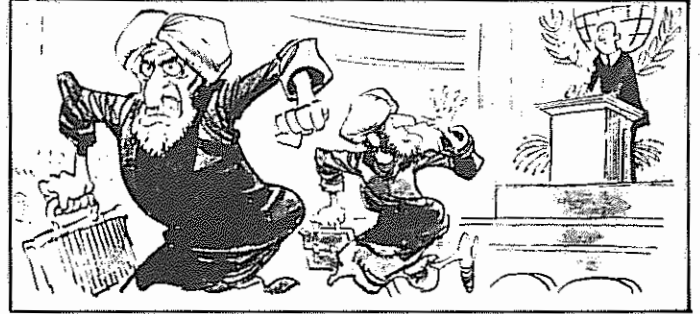
گریسمس آمریکائی

صحنه‌هایی نظیر آن چه در عکس زیر تصویر شده، در آمریکای امروز فراوان دیده می‌شود زنی بی‌پناه و آواره، در گوشه‌ای از خیابان‌های نیویورک، یکی از ثروتمندترین شهرهای جهان. این است آن چه ریگان "سرزمین خدا"، "چراغ آزادی" و "کشور امکانات نامحدود" می‌نامد. از مرصه آواره در واشنگتن، پایتخت آمریکا، تنها به یک نفر مکانی در نوانخانه‌ها می‌رسد. ۸/۶ میلیون نفر بیکار، لکه‌ننگی بر دامن سرمایه‌داری اند. در کریسمس امسال، نزدیک به ۲ میلیون آمریکایی سرپناهی نداشتند تا در آن عید خود را جشن بگیرند.



جمهوری اسلامی و صلح جهانی

روزنامه سوئدی AMD این سوال را مطرح کرده است که اگر قرار باشد سازمان ملل در مورد خلع سلاح جهانی و برقراری صلح در سطح جهان تاسیم گیری کند، عکس العمل جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ آن‌ها بی‌افاصله



اورژانس؟

"در ساعت نه و نیم شب... بیمار قلبی داشتیم که وضع او وخیم بود و بهیمن خاطر از شماره ۱۲۳ اورژانس تهران تقاضای کمک کردیم اما پاسخ داده شد که ما آمبولانس نداریم و از

ریگان خبرچین "اف.بی.آی" بوده است

فردی که اکنون بر کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده تکیه زده، این مقام را به قیمت ارزانی به کف نیابورده است. رونالد ریگان، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در میان هنرپیشه‌های هالیوود به عنوان خبرچین مورد اعتمادی برای "اف.بی.آی" پلیس فدرال آمریکا، مشغول کار بوده است. روزنامه

اطلاعیه پذیرش دانشجو در دانشکده اطلاعات!

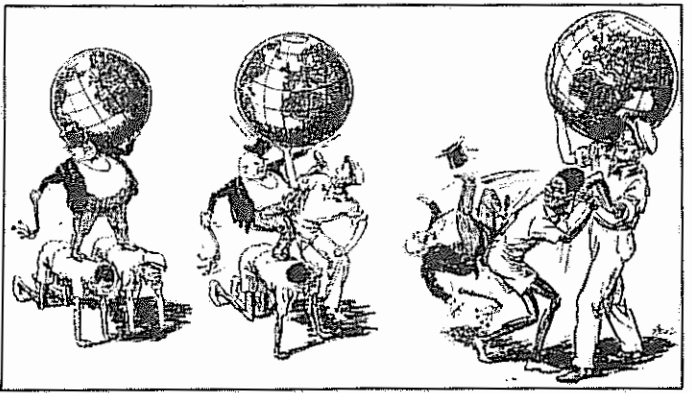
ری شهری رئیس ساواک جمهوری اسلامی در سفر اخیر خود به شیراز اعلام کرد که "دانشکده اطلاعات" ظرف چند ماه آینده تشکیل خواهد شد و نظام آموزشی آن در حال تدوین است. "خبرنگار صفحه گوناگون از طریق "امدادهای غیبی" پی برده است که اخیرا ساواک جمهوری اسلامی

اطلاعیه وزارت اطلاعات (ساواک ج.ا.ا.) شماره: ۰۰۷

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که ساواک جمهوری اسلامی در نظر دارد از میان لایقترین برادرانی که در زمینه شکنجه و سرکوب و پیگرد از خود بیشترین حیوانیت را نشان داده اند، عددهای را برای طی مدارج عالی تر درنده‌خویی و آدم‌خواری در دانشکده اطلاعات که بنا بر فرمان مطاع مهابوثی حضرت آیه الله العظمی العجبار القتال الموسوی الخیمینی دامش برکاته تشکیل شده است، دستچین سازد. دوران تحصیل در دانشکده اطلاعات نامحدود و شبانه روزی بوده و کلاس‌های درس عملی مخصوصا شب‌ها و صبح زود در آزمایشگاه‌های مجهز اوپین برگزار خواهد شد. به دانش‌آموختگان بعد از طی مدارج عالی در زمینه‌های تحریر، تقطیل، تجاوز، پیگرد و خبرچینی مدرک کارشناسی ارشد اعطا خواهد شد. در نظر است برای طی دوره دکترای به دانشجویان کوشا بورس تحصیلی در دانشگاه‌های عالی خارجی وابسته به اطلاعاتی برادر، خاصه اینتلیجنت سرویس اعطا گردد. حقوق و مزایای تحصیل در دانشکده اطلاعات به قدری است که همه را بی‌نیاز خواهد ساخت.

شرايط اطلبین:
دواطلبین باید علاوه برداشتن شرايط عمومي که در راس آن‌ها اعتقاد به ولايت فقيه است دارای شرايط زیر باشند:
۱ - دارا بودن سوابق کافی در زمینه سعیت، جلادی و حیوان صفتی بنا بر تشخیص روانشناسان ساواک شاهنشاهی
۲ - آشنایی با اصول اولیه تحریر مثل ناخن کشیدن، سوزاندن، شلاق زدن و امثالهم بنا بر تشخیص برادر لاجوردی
۳ - آشنایی با احکام نظری شکنجه و کشتار بنا بر تشخیص برادر آیت الله کبیلانی
۴ - داشتن حد بالای از رباکاری و دودوزه بازی بنا بر تشخیص برادر رفسنجانی
۵ - داشتن هوش و ذکاوت کافی بنا بر تشخیص نماینده ولایتعهد محبوب آیت الله العظمی منتظری
۶ - داشتن شم پلیسی و اطلاعاتی بنا بر تشخیص برادر جناب تیمسار فردوست
۷ - داشتن ضامن معتبر از میان تجار محترم و روحانیون طراز اول وانجمن اسلامی وزارت اطلاعات
۸ - دانستن زبان انگلیسی و ترجیحا عبری برای ادامه تحصیل و اخذ تخصص در دانشکده‌های خارج ضروری است.

دوران ما



امپریالیسم، طبقه کارگر، خلق‌ها و چرخش دوران‌ها
ملرح از آلفرد بایر هنرمند آلمانی

جراوند دو لتی، کاغذهای باطله

جراوند دولتی عرصه چاکر منشی مسئولین مملکتی به قصد تقرب به درگاه خلافت و ارتقا مقام است. در جمهوری اسلامی صدها نشریه از سوی وزارت خانه‌ها و نهادها و ادوایر دولتی منتشر می‌شود که همواره نیز بی‌خواننده مانده و چون کاغذهای باطله مورد استفاده قرار می‌گیرند. این حقیقت را یکی از نمایندگان مجلس به این شکل بیان کرد: "هر روز نوع جدیدی از نشریات توسط سازمان‌های دولتی طبع و نشر می‌شود که بعداً این‌ها را در مجلس هم توزیع می‌کنند و چون خواننده‌ای ندارد گونی گونی به جای کاغذ باطله استفاده می‌شوند."

اخطار ناشر به مارکس

کارل مارکس وقتی جلد اول "سرمایه" را می‌نوشت، چند بار نسخه اولیه را بازبینی کرده و تغییر داد. در نتیجه، موعد تعوییل آن به ناشر مرتب به تعویق می‌افتاد. ناشر بالاخره صبرش نبریز شد، و به فکر افتاد برای این امر چاره‌ای بیاید نامه‌ای به مارکس نوشت که در آن آمده است:

"دست نوشته کتاب سرمایه که تعهد کرده‌اید آن را برای ما بنویسید، ۱۸ ماه است که تحویلش به تاخیر افتاده است. اگر در ظرف شش ماه آینده نسخه آن به ما نرسد، متأسفانه ناچار خواهیم بود نویسنده دیگری را مامور نوشتن آن کنیم."

لطیفته‌ای به نقل از یک نامه ارسالی از ایران

مسافری سوار اتوبوس شرکت واحد که مملو از مسافر بود، و بعد از این که با کلی معطلی اتوبوس راه افتاد سینه را صاف کرد و فریاد زد: برای پیروزی رزمندگان اسلام صلوات بفرستید! مسافریین به او پاسخی ندادند. طرف این بار داد زد: برای حفظ جمهوری اسلامی صلوات بفرستید! مسافریین در پاسخ فقط غرغر کردند. فرد سیخ این بار بلندتر فریاد کشید: پس برای طول عمر امام صلوات بفرستید! غرغر مردم که بیشتر شد، مسافر گفت: انگار همه از خودمان هستند، حالا که اینطور "کل پری جون، بعله..."

جنگ ایران و عراق از دیدگاه نیروهای صلحدوست جهان

جنگی که به تحریک امپریالیسم آمریکا، به خلقهای ایران و عراق تعمیل شد و هم اکنون رژیم جنایتکار خمینی با هدفهای مداخله‌گرانه آن را ادامه می‌دهد، هم به دلیل فجاج و مصائب عثیمی که برای مردم دو کشور به بار می‌آورد، و هم به علت خطرات آن برای صلح جهانی، مورد توجه نیروهای صلحدوست کشورهای گوناگون قرار دارد. برای آشنایی با

دیدگاه کمیته آلمانی "صلح، خلع سلاح و همکاری"، در این باره، آقای مانفرد اوسنیک دبیر این کمیته مقاله‌ای برای "اکثریت" تهیه کرده که با تشکر از ایشان به چاپ می‌رسانیم. لازم به تذکر است کمیته مزبور، بخش عمده‌ای از بار فعالیت‌های جنبش صلح آلمان فدرال را بر عهده دارد و هماهنگ کننده این فعالیتهاست.

* * *

جنگ ایران و عراق از خونین‌ترین درگیریهای نظامی از هنگام پایان جنگ جهانی دوم تاکنون است. هیچ یک از درگیریهای نظامی در سالهای اخیر در جهان به اندازه جنگ ایران و عراق که هم اکنون بیش از جنگ جهانی اول به طول انجامیده، باعث این همه تلفات انسانی، مادی و معنوی شده است.

این واقعیت باید افکار عمومی جهان را تکان دهد و بیدار سازد، باید انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر بین‌المللی جهت پایان دادن به این خونریزی، و تخصص ببهوده باشد.

جنگ خلیج می‌تواند در صورت "گسترش افقی" عامل خطر و تهدیدی جدی برای صلح جهانی باشد. تنها کسانی که از ادامه جنگ خلیج سود می‌برند، تولیدکنندگان اسلحه در کشورهای سرمایه‌داری غرب، ایالات متحده آمریکا و متحد شماره یک آن در منطقه، اسرائیل هستند.

پس از سقوط رژیم محمدرضا شاه در ایران، ایالات متحده یکی از متحدهین اصلی خود در منطقه خلیج و یکی از پایگاههای اصلی در جوار اتحاد شوروی را، که از آن استفاده‌های وسیع نظامی و جاسوسی می‌برد، از دست داد.

شروع جنگ میان ایران و عراق بار دیگر به ایالات متحده بهانه افزایش حضور نظامی از دست رفته‌اش در منطقه را داد. ایالات متحده با اجرای انواع تحریکات و توطئه‌های پشت پرده، عامل اصلی ایجاد عدم ثبات در منطقه می‌باشد.

هر بار که جنگ ایران و عراق در طول جبهه‌ها و در منطقه خلیج اوج می‌گیرد، ایالات متحده تشنج ناشی از آن را برای تقویت موقعیت نیروهای دریایی، هوایی و کوماندوهای خود در

آبهای دریای عمان، در خلیج فارس، در عربستان سعودی، عمان و دیگر کشورهای منطقه مورد سو استفاده قرار می‌دهد.

هم اکنون پایگاههای ایالات متحده در "دهران" عربستان سعودی و در جزیره صبیره، متعلق به عمان، به آخرین انواع سیستم‌های نظامی مسلح می‌شوند. مستشاران نظامی آمریکایی در عربستان نظامیان این کشور را تعلیم می‌دهند. در سال گذشته حتی بیکیار خلبانان آمریکایی سوار بر

جنگنده‌های عربستان سعودی در عملیات نظامی بر ضد نیروی هوایی ایران که گویا به حریم هوایی متحدین آمریکا تجاوز کرده بود، شرکت جستند. به بهانه وقایع اخیر پیرامون جزیره خارک - به تحریک ایالات متحده آمریکا - سران کشورهای عضو "شورای همیاری خلیج"، عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر، امارات

متحد عربی و بحرین، دور هم گرد آمدند و برای انجام یک مانور نظامی مشترک در خلیج برنامه‌ریزی کردند.

در همین سیتامبر گذشته بزرگترین خرید اسلحه تاریخ توسط عربستان سعودی صورت گرفت. آمریکا در حال حاضر سعی دارد "شورای همیاری خلیج" را به یک پیمان نظامی در ارتباط با تانک‌ها تبدیل سازد.

نقشه آمریکا این است که با استقرار نیروهای نظامی در منطقه، راسد جهت سرکوب جنبشهایی که منافع امپریالیسم در منطقه را به خطر می‌اندازند، اقدام نماید. بدین ترتیب مستگیری سیاسی و اقتصادی کشورهای خلیج در معرض اعمال فشار و ترور ایالات متحده قرار می‌گیرد. ابزار سرکوب و حفظ منافع غارتگرانه آمریکا در منطقه در درجه اول ۴۰۰ هزار نظامی وابسته به نیروی واکنش



سریع هستند که تحت مسئولیت ستاد فرماندهی مرکزی (سنتکوم) فعالیت می‌کنند. ایالات متحده هر جا که جنبش‌های اجتماعی منافع آن را به خطر می‌اندازد با تحریک و ایجاد درگیریهای منطقه‌ای و گسترش افقی آنها برای حضور خود در منطقه بهانه می‌سازد.

آمریکا علاوه بر این سعی می‌کند دیگر کشورهای متحده خود در پیمان "ناتو" را به ماجراجوییها و تجاوزات نظامی بکشاند.

متأسفانه جمهوری فدرال آلمان امکانات وسیعی را در اختیار نیروهای واکنش سریع و دیگر بخشهای ارتش آمریکا قرار داده است.

دولت آلمان فدرال با امضای یک قرار داد متعدد شده است که در مواقع ضروری با نیروهای مسلح کشور ما، حلقه‌های ضعیف زنجیره ارتش متجاوز ایالات متحده را تقویت کند.

بنابراین سرنوشته مردم آلمان فدرال نیز به نحوی به وقایع منطقه خلیج فارس مربوط است جنبش صلح کشور ما باید بیش از پیش جنگ ایران و عراق را مورد توجه قرار دهد و برای پایان پذیرفتن آن مبارزه کند.

در این جنگ، ایران و عراق هیچ یک برنده نخواهند بود. خلقهای دو کشور هم اکنون بازنده این جنگ هستند.

ما مبارزات نیروهایی که در ایران برای پایان پذیرفتن جنگ ناعادلانه خلیج مبارزه می‌کنند - بویژه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - را تحسین می‌کنیم. با جلب همبستگی بین‌المللی با مبارزات ضد جنگ و ضد رژیم مردم ایران و سازمان‌های پیشروی آنها، باید زمینه را برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز آماده ساخت.

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

لوئیس کوروآلان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی :

شالوده اتحاد ضد دیکتاتوری

اشتراک در هدف عاجل و انعطاف در شیوه‌های مبارزه است

از صفحه اول

سالوادور آلنده همواره بر یک تفاوت مهم تاکید می‌کرد. او از دشمنان و از مخالفان سخن می‌گفت و منگورس از دسته دوم، کسانی بودند که موضعشان متفاوت است اما (با موضوع ما) تضاد آشتی‌ناپذیر ندارند. هم اکنون، پیئوشه و دارو دسته‌اش دشمنان ما هستند. آن‌ها می‌خواهند ما را نابود کنند، کمونیسم را از صحنه جهان محو ساخته و کمونیست‌ها را از بین ببرند. از نظر آلنده، مخالفان، انسان‌هایی هستند که عقایدشان بعضاً منطبق با عقاید ماست و بعضاً نه. اما علاقه مشترک به همه امور مربوط به حال و آینده، ما را به آن‌ها پیوند می‌دهد. اکثر آن‌ها، ترقی‌خواهند و با دیکتاتوری پیکار می‌کنند.

ما همراه با بسیاری از این مخالفان، مشترکاً از منافع زحمتکشان و از منافع کل خلق دفاع کرده و برای بازگشت هر چه زودتر به دموکراسی می‌کوشیم. مناسبات ما با شماری از آن‌ها چندان خوب نیست. مایپوسته با آن‌ها در تسمیس و به بحث دوستانه می‌پردازیم. اما آن‌ها وقتی از ما می‌خواهند مشی سیاسی خود را عوض کرده و به صف دنباله‌روان "اتحاد دموکراتیک" و متحدین راست‌گرای جدید آن بپیوندیم، تقاضای غیرممکنی را مطرح می‌کنند. آن‌ها، چه علناً و چه در مذاکرات خصوصی، اصرار می‌ورزند که مادر مبارزه علیه دیکتاتوری از اعمال قهر و برخی شیوه‌های مبارزه خود، چشم پوشیده و تنها به اشکال مسالمت آمیز متوسل شویم. آن‌ها، بر این بافشاری می‌کنند که ما نه سیاست خود، بلکه سیاستی را دنبال نماییم که احزاب دیگر، و در وهله اول حزب دموکرات مسیحی، می‌کوشند به ما تحمیل کنند. همچنین از ما می‌خواهند از حضور خود بکاهیم زیرا به نظر آن‌ها، حضور دایمی حزب کمونیست در صحنه، می‌تواند بر پیش‌روی به سوی احیای دموکراسی تاثیر نامساعدی داشته باشد. اغلب، سیاست ما تحریف می‌شود یا به آن مشخصاتی نسبت می‌دهند که فاقد آنست. در رسانه‌های گروهی، که در اختیار مخالفان ماست، اغلب ادعا می‌شود حزب کمونیست "به نظامی‌گری دچار شده"، به مبارزه مسلحانه روی

آورده و درصدد به راه انداختن یک "جنگ فرسایشی" است.

به احتمال بسیار قوی، دوره بسیار سختی در پیش داریم. پیئوشه، از خود بیخود شده و مانند همیشه، از هیچ چیز برای حفاظت ابدا ندارد. او از اعتراضات ماه اوت و به ویژه سینتامیر، دچار خشم سوزانی گردیده است. سند معروف به "توافق دربارہ حزب منتشر کرده و کاردیئال فرسنو، یکی از رهبران اپوزیسیون راست - سائریست، از آن پشتیبانی نموده، دیکتاتور را، با این که در آن به او امتیازاتی داده‌اند، بسیار تکرار کرده است. این سند، پیئوشه را در میان اطرافیان خود، در نیروهای مسلح و در عرصه بین‌المللی، با مشکلاتی مواجه نموده است. اظهارات پیئوشه درباره این سند و پیرامون اعتراضات خلق نشان می‌دهند که او در برابر خواست‌های مردم، و در برابر هزاران برهان دال بر این که کشور در حال گذار به دموکراسی است، کور و کر است و کور خواهد ماند.

هر روز، این امر ضروری تر میشود که همه مردم شیلی بسیج شوند و اقداماتشان در مبارزه، در رابطه با اپوزیسیون چپ، راست و میانه هماهنگ گردد. باید به اتفاق هم، سراسر کشور را بپا خیزانیم، تا همه نیروها، در نبرد برای پایان دادن به ترور فاشیستی و پیروزی، به کار آیند. در نامه جوابیه‌ای که کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در ماه مه امسال به رهبر حزب دموکرات مسیحی فرستاده آمده است :

"آقای والدوزا به نظر ما، باید در مبارزه، این وظیفه را فراروی خود قرار دهیم که مشترکاً راه مشخصی را بپیماییم، که از طریق آن، برچیدن بساط دیکتاتوری و فاشیسم امکان پذیر باشد. ما بر آنیم که در این راه، پیکار توده‌ها و بسیج نیرومند افکار عمومی، که در ترکیبی از شیوه‌های مسالمت آمیز و قهر آمیز مبارزه بروز خواهد کرده، نقش اصلی را ایفا خواهد نمود. تکرش صرفاً نظامی به مساله، ساده‌سازی بوده و موضع ما را در گروگن جلوه می‌دهد. اما اگر ما مهیت و عملکرد دیکتاتوری را در نظر آوریم، آشکار

می‌شود که دفاع خلق از خود و تقویت نفوذ آن در نیروهای مسلح باید نقش تعیین کننده‌ای ایفا کند."

قهر انقلابی

پاشیوه‌های مسالمت آمیز؟

راهی که به پیشنهاد ما باید مشترکاً در پیش گرفته شود، راهی که خلق مبارز ما می‌پیماید، نظامی‌گرایانه نیست. درست نیست بدان مبارزه مسلحانه و یا به اصطلاح جنگ فرسایشی اطلاق شود. از سوی دیگر، اشکال مبارزه‌ای که ما پیشنهاد می‌کنیم و خلق به کار می‌گیرد، صرفاً مسالمت آمیز نیستند. نه راه و نه اشکال مبارزه را نمی‌توان به دلخواه تعیین کرد. آن چه آن را تعیین می‌کند، شرایط عینی و نیز دواندیشی، اراده مبارزه و توان رزمی نیروهایی است که در راه ترقی اجتماعی می‌کوشند.

حزب ما، در اقدامات خود برای دگرگونی‌های مرفقی و انقلابی، از ۱۹۵۶ تا کودتای فاشیستی بدین اصل وفادار ماند که این تحولات می‌توانند از طریق مسالمت آمیز تحقق یابند. حزب ما، پیوسته و پیگیرانه در این راه کوشیده و طی آن، حملات از جانب راست را دفع کرده و با سو تفاهات از جانب چپ مقابله نمود.

حزب ما، در دوره ریاست جمهوری کارلوس ایبارز، خورخه الساندرو و ادواردو فری چنین روشی در پیش گرفت، یعنی زمانی که با وجود محدودیت‌های دموکراسی بورژوازی، باز هم آزادی‌های شهروندی وجود داشت، پارلمان کار می‌کرد و بر مطبوعات، پلورالیسم حاکم بود. جریان‌ات اجتماعی گوناگون در تلویزیون شیلی امکان بیان مواضع‌شان را می‌یافتند. جنبش سندیکایی و احزاب، از حقوق خود بدون محدودیت‌های اساسی استفاده می‌کردند، و نظام انتخاباتی، یکی از دموکراتیک‌ترین سیستم‌های انتخابات تحت شرایط سرمایه‌داری بود. در آن هنگام، سازمان‌های طبقه کارگر، دهقانان، جوانان و دانشجویان، زنان، کارمندان دولت و به طور کلی همه تشکلهای مردمی به سطح قابل

توجهی از تکامل رسیده بودند. بنابراین، راه مسالمت آمیز بر شرایط آن روز انطباق داشت. پیروزی سالوادور آلنده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۰ و تحولات انقلابی‌ای که دولت وی انجام داد، نشان دادند که حق با ما کمونیست‌ها بود. ما راهی را در پیش گرفتیم و به مدت ۱۰۰۰ روز آن را پیمودیم. به نثار ما، شکست سال ۱۹۷۲ به معنای آن نیست که این ترقی، اعتبار خود را از دست داده است. اما با وجود دیکتاتوری تروریستی امروزی، که می‌خواهد به زور اسلحه، برای خود موجودیت ابدی تأمین کند، حتی اندیشیدن به امکان راه مسالمت آمیز با شیوه‌های صرفاً مسالمت آمیز مبارزه، که اپوزیسیون راست میانه به ما توصیه می‌کند، بسیار ساده لوحانه خواهد بود.

امروز، دفاع از راه مسالمت آمیز و شیوه‌های صرفاً مسالمت آمیز، عملی برخلاف واقعیات است. اما این، بدان معنا نیست که هیچ راهی جز مبارزه مسلحانه و هیچ شیوه دیگری جز شیوه‌های قهر آمیز وجود ندارد. اگر چنین می‌بود، ما آشکارا چنین می‌گفتیم. ماسیاست خود را پنهان نمی‌کنیم، و درباره آن، همه چیز را به صراحت بیان می‌داریم، تا مردم از این سیاست آگاه باشند و این سیاست در میان توده‌ها به نیروی مادی تبدیل شود.

در شرایط کنونی، در جریان براتیک روزمره است که راه مشخصی برگزیده شده و رهنمودهای تئوریک و سیاسی فرمولبندی می‌شوند. در سپتامبر ۱۹۸۰، ما حق خلق مبنی بر اقدام علیه استبداد را مطرح کردیم. این اقدام ما، چند روز پس از رفتارندومی بود که با آن، پیئوشه می‌خواست به کشور یک قانون اساسی فاشیستی تحمیل کند. در این قانون، ماده‌ای درباره حکومت مادام‌العمر وی وجود داشت. قانون مزبور به پیئوشه امکان می‌داد وضع فوق‌العاده را تا ابد پابرجا نگه‌دارد. ما می‌بایستی تصمیم می‌گرفتیم. آیا باید دست روی دست گذاشته و منتظر می‌شدیم که زمان چه پیش خواهد آورد؟ (در چنین صورتی، ما در

ببترین حالت می‌بایستی به موقعیت نسبتاً راحت اپوزیسیونی در داخل نظام، اکتفا می‌کردیم. و با می‌بایستی در حرف و در عمل، علیه نظام دولتی شبه فاشیستی موضع گرفته و از این طریق، سهم خود را در اوج گرفتن مبارزه علیه رژیم، و دریاری رساندن به اقدامات مبارزه جویانه توده‌ها در اشکال گوناگون آن ادا می‌کردیم؟

ما راه دوم را برگزیدیم. این، ولیفه میهنی و انقلابی ما بود. پیشرفت‌های بزرگ سالهای اخیر تنها شمه کوشش‌های ما نیست. اما اگر ما در سال ۱۹۸۰ تشخیص نمی‌دادیم که فاشیسم نظام یافته به چه معناست، و اگر تحولات در اذهان مردم را احساس نمی‌کردیم، ضروریات نیونی را که مبارزه مطرح کرده بود، در نمی‌یافتیم. یاب عبارت دقیق‌تر، اگر حق خلق برای اقدام علیه استبداد را مطرح نمی‌ساختیم، اگر بر ضرورت بکارگیری شیوه‌های کلی متفاوت مبارزه هم مسالمت آمیز هم قهر آمیز تاکید نمی‌کردیم، اگر ثابت نمی‌کردیم که توان روی آوردن از حرف به عمل را داریم، در این صورت بی‌نوشه و دار و دسته‌اش آسایش خود را از دست نمی‌دادند، و اپوزیسیون سانسریست، همچنان نشسته بود و انتقار می‌کنید.

آنچه در سال‌های اخیر در راه اعتلای مبارزه نیرومند توده‌ای در اشکال گوناگون آن، و برای وارد آوردن ضربات لاینقطع با استفاده از هر وسیله قابل تصور، انجام شده است، مهمترین فاکتور در جبهه‌بندی جدید سیاسی است. این امر، چشم اندازهای نیونی گشوده و باعث شده است که امروز، بخش بزرگی از خلق، روحیه‌ای تزلزل ناپذیر و رزم‌جویانه داشته باشد.

این امر، همچنین علت جستجوی امپریالیسم آمریکا و محافل معینی از بورژوازی به دنبال راه بیرون رفت (به سبک خودشان) از موقعیت تخاصم کنونی را توضیح می‌دهد. در ایجاد این فضا، همچنین اقدامات جبهه میهنی "مانوئل رودریگز" موثر بوده است. عملیاتی نظیر منفیر کردن کابل‌های فشار قوی، مستلزم تخصص، تشکل آهنین و بی‌باکی است.

ما کمونیست‌ها بر آنیم که تحول اوضاع، به احتمال قریب به یقین به رویارویی سرنوشته ساز خلق و دیکتاتوری خواهد انجامید. در گزارش آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما گفته شد: "ما این امر را به صورت یک قیام توده‌ای که تمام

خلق، بخش اعظم نیروهای سیاسی و اجتماعی و احتمالاً مخالفان دیکتاتوری در ارتش را در برگیرد، پیش‌بینی می‌کنیم. باید به چنان سطحی از اعتراض عمومی رسید که از طریق اقدامات توده‌ای در مهمترین شهرها، با شرکت فعال پرولتاریای صنعتی، دانشجویان، اقشار میانی و دهقانان، کشور به تمام معنی فلج شود. ضربات موثر برای فلج کردن رژیم و شتاب بخشیدن به تلاشی سیاسی و روحی ارگان‌های سرکوب، این اقدامات را تقویت خواهد کرد. نقطه اوج این روند، محاصره مهمترین مراکز سیاسی کشور توسط توده‌ها خواهد بود."

از سوی دیگر، نیروهای اجتماعی به رهبری "شورای رهبری ملی زحمتکشان" بسیج می‌شوند. اندیشه اقدامات نیرومند مسالمت آمیز، که در احزاب متعلق به بلوک سوسیالیست (اتحاد گروه‌های سوسیالیستی) و اتحاد دمکراتیک پا گرفته است، راه خود را باز می‌کند. ایده اعتصاب عمومی نیز از سوی محافل وسیعی از اپوزیسیون مورد استقبال قرار می‌گیرد. در چنین صورتی، بی‌نوشه با موقعیتی مواجه خواهد شد که در آن، حکومت کردن غیر ممکن خواهد بود.

قیام توده‌ای ممکن است

تز ما مبنی بر امکان قیام توده‌ای، و ایده‌ها و رهنمودهای فوق، به نظر ما خطوط اصلی راهی از مبارزه را در بر می‌گیرند که نمی‌توان آن را بگونه‌ای جامد، مسلحانه یا غیر مسلحانه نامید. این راه، می‌تواند در عمل به این یا آن طریق نزدیک شود. کم و بیش قهر آمیز یا کم و بیش مسالمت آمیز باشد، بسته به این که دامنه جنبش، عزم و توان رزمی توده‌ها تا چه حد و تحولاتی که می‌تواند در رفتار و طرز فکر و موضع نیروهای مسلح روی دهد به چه میزان برسد.

میان اشکال گوناگون مبارزه، دیوار چین نشیده‌اند. آن‌ها نه متضاد و نافی هم، بلکه مکمل یکدیگرند. ما از قیام خلق، از اقدام مصمم خلق سخن می‌گوئیم. برخی دیگر، مقاومت منفی و امکان ناپذیر کردن ادامه حکومت را مطرح می‌کنند. می‌توان پرسید: تفاوت اساسی در کجاست؟ اگر چنین تفاوتی موجود باشد، تنها در جزئیات است. در همه این مواضع، موضوع مبارزه علیه دیکتاتوری و برخورد انقلابی را می‌بینیم. ما، به‌مثابه عوامل اصلی روند اجتماعی، تاحدی از می‌آموزیم و آنچه را از یراتیک توده‌ها بر می‌خیزد، می‌پذیریم.

ما اطمینان داریم پایان نبرد مشابه آنچه خواهد بود که بیان کردیم، اگر چه امکانات دیگر نیز کاملاً منتفی نیستند. آنچه ما غیر ممکن و نوهم آمیز می‌دانیم، آن است که با پی‌نوشه پیرامون پیشروی به سوی دمکراسی به تفاهم برسیم. اما توافق در این باره با نیروهای مسلح، بدون شرکت دیکتاتور، منتفی نیست.

عامل اصلی

مهمترین و تعیین کننده‌ترین فاکتور در موقعیت کنونی، مبارزه توده‌ها و اقدامات متشکل همه نیروهای اپوزیسیون است. این اقدامات، باید به تلاشی دیکتاتوری منجر شوند، و این امر، عامل اصلی تشدید بحران سختی است که حکومت در آن به سر می‌برد. همین عامل، جنبش علیه دیکتاتوری را، صرف نظر از این که اوضاع در آینده به چه عنوان پیش خواهد رفت، به راه درست هدایت خواهد کرد.

لنین در سخنرانی ۱۸ مارس ۱۹۱۹ خود به مناسبت گرامیداشت یاکوف سورولف، با تاکید خاطر نشان



عکس بالا، سند تکان دهنده‌ای از جنایات رژیم فاشیست پی‌نوشه است. جلادان، لباس‌های محکومین را در آورده‌اند تا لحظاتی بعد اعدامشان کنند. این عکس به طور مخفیانه در اکتبر ۱۹۸۲ برداشته شده است.

ساخت پرولتاریای روسیه بدون قهر انقلابی نمی‌توانست پیروز شود. وی به ویژه تاکید نمود: "قهر انقلابی، تنها در مراحل معینی از تکامل انقلاب، تنها تحت شرایط معین و ویژه‌ای، شیوه ضروری و قانونمند انقلاب بود، در حالی که سازماندهی توده‌های پرولتر، سازماندهی زحمتکشان، مشخصه بسیار اساسی‌تر و دایمی این انقلاب، و شرط لازم برای پیروزی‌های آن بوده‌است. درست در همین سازماندهی میلیون‌ها زحمتکش، بهترین شرایط تکامل انقلاب و سرچشمه لایزال پیروزی آن نهفته است."

ما به این اصول وفاداریم و معتقدیم مهمترین عامل، جنبش توده‌ای است و اعمال قهر، میزان آن و جایی که باید به کار رود، به شرایط مشخص بستگی دارد. این بدان معناست که بدون پیکار توده‌ای، نمی‌توان به استبداد پایان داد. قیام ملی، که ما آن را محتمل‌ترین امکان می‌دانیم، وقتی به واقعیت تبدیل خواهد شد که عوامل عینی آن موجود باشد، وقتی که قیام، تنها راه باشد و خلق، این را دریافته و تصمیم خود را برای اقدام به قیام بگیرد.

در نامه جوابیه به رهبر حزب دمکرات مسیحی که پیشتر، ذکر آن رفت، این واقعیت تغییر ناپذیر خاطر نشان شده که "حزب کمونیست هرگز علیه جامعه شیلی متوسل به قهر نشده است". در ادامه، آمده است: "ما تمایلی به قهر نداریم. اگر ما ضرورت سیاسی و روانی اعمال قهر را امروز پذیرفته‌ایم، تنها از این رو است که دیکتاتوری، علیه خلق، کشور و همه مردم شیلی به زور متوسل شده است. آنچه به شیوه‌های مسالمت آمیز مبارزه مربوط می‌شود، ما نه تنها این شیوه‌ها را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنیم، بلکه در حال حاضر در اغلب اقدامات خود علیه دیکتاتوری این شیوه‌ها را به کار می‌بندیم. ما از ترکیب انعطاف پذیری از شیوه‌های گوناگون مبارزه بهره می‌جویم."

دردوره قبل از پیروزی خلق در سال ۱۹۷۰ نیز، هنگامی که ما از راه مسالمت آمیز انقلاب جانبداری می‌کردیم، در انتخاب شیوه‌های مبارزه انعطاف نشان می‌دادیم. برای ما، این شیوه‌ها متنوع بوده‌است و خواهد بود. اشکال مبارزه، نه صرفاً مسالمت آمیز و نه صرفاً قهر آمیز است، حتی اگر برای مدتی کوتاه یا طولانی، این یا آن شکل، شکل دیگر را تحت الشعاع قرار دهد.

پراتیک معیار حقیقت'

مبارزات توده ای سال های اخیر ثابت می کند این حکم درست است. روزهای اعتراض ملی، که از ماه ۱۹۸۲ بدین سو برگزار می شود، سنگربندی خیابان ها در این روزها، قطع جریان برق در سراسر کشور، "کنسرت های قابلمه ها" و اقدامات دیگر در روزها و ساعات معین، اعتصابات، اشغال مدارس و دانشگاه ها، نبردهای خیابانی با پلیس - این ها همه شیوه هایی از مبارزه اند که در آن صدها هزار، و بعضا حتی میلیون ها تن شرکت می کنند. این اقدامات از آن روچنان ابعدی می یابند که در جریان مبارزه، مطابق اراده مردم ایجاد شده و باروحيه و علايق مردم سازگارند.

بخش بزرگی از این اقدامات، اگر چه مسالمت آمیز یا همراه با میزان محدودی از قهر باشد، در جریان نبردهای سخت علیه ارکان های سرکوب تحقق می یابد. شکل مبارزه برای حکومت علی السویه است. حکومت، علیه همه اشکال مبارزه، خواه مسالمت آمیز باشند خواه قهر آمیز، به سرکوب متوسل می شود. پلیس، حتی اجازه نمی دهد مردگان را بدون مزاحمت تشییع کنند و یا به سرگورمهای آنان بروند، و افرادی را که با یک شاخه میخک یا یک شاخه شم به گورستان می روند، مورد ضرب و شتم قرار می دهد، زیرا این ها دیگر اکنون به ظاهر مبارزه برای حق زندگی هستند.

انتخابی که امروز هر مرد و هر زن در برابر آن قرار گرفته، این نیست که شیوه های مسالمت آمیز یا قهرآمیز مبارزه را ترجیح می دهد، بلکه آن است که آیا باید علیه استبداد مبارزه کند یا نه.

برخی مخالفان، که این واقعیت محسوس را نمی بینند، قهر را "از هر کس که سرزند" محکوم می کنند. به زبان ملایم، این موضع گیری بسیار عجیب است. اکثر دشمنان سرسخت امروزی قهر، در زمان کودتای نظامی از آن حمایت کردند و یا در رثای خون هایی که جویبارها از آن جاری گشت، و در محکومیت جنایات هولناکی که علیه خلق انجام گرفت، یک کلمه هم نگفتند.

پینوشه، یکی از خونخوارترین حکام تاریخ آمریکای لاتین است. این مباشر ایالات متحده که ابتدایی ترین حقوق انسان ها را

شالوده اتحاد ضد دیکتاتوری، اشتراک در هدف . . .

زحمتکشان تصمیم گرفت برای روز چهارم سپتامبر دعوت به یک روز جدید اعتراض ملی کند. در ۲۶ اوت، "توافق درباره گذار به دموکراسی کامل" منتشر شد. این سند، حاوی خواست های سیاسی مطلوب توده ها بود، اماممترین نکته یعنی لزوم برکناری فوری پینوشه را، ناکفته گذاشت. در این سند، درباره مالکیت خصوصی از موضع بورژوازی سخن می رود، در حالی که به شماری از مهمترین مسائل پرداخته نشده است.

جنبه مثبت این سند ونیز تمایل عمومی به یافتن راه حل فوری، در محافل گسترده ای از خرده بورژوازی و اقلیت میان، توهیات معینی برانگیزید. آن ها گمان بردند کارهای لازم برای آغاز مارش پیروزمند دموکراسی انجام شده است. تقریبا همه خبرگزاری ها، گزارش هایی حاکی از فعال شدن رهبران اپوزیسیون راست - سانتریست مخابره کردند. وزارت امور خارجه ایالات متحده هم بر این فعالیت ها مهر تایید زد. کاردينال فرسنو، از خداوند و از رهبران یازده حزب برای تفاهم حاصل شده، تشکر کرد و از مردم خواست در روز چهارم سپتامبر در روز اعتراض ملی شرکت بجويند. اتحاد دموکراتیک، مردم را فراخواند در این روز تنها برای موافقتنامه امضا جمع کنند، و به شرکت کنندگان در اقدامات اعتراضی توصیه کرد ساعت دو بعد از ظهر کار را تمام کنند و به خانه های خود بروند. آنچه را روی داد، همه می دانیم. زندگی می خواست طریق دیگری طی کند. چهارم سپتامبر، به مهمترین روز اعتراض ملی همراه با بیشترین میزان بسیج توده ها در مبارزه، در تمام طول ۱۲ سال دیکتاتوری تبدیل شد.

این، یک دستاورد بزرگ جنبش دموکراتیک مردمی است که این جنبش، موضعی مستحکم و روشن اتخاذ کرده و در آن، دشمن اصلی را از نظر دور نداشته است. این جنبش، به سند یازده حزب نیویورک، زیرمعتقد است در این سند، بسیاری نکات تا به آخر گفته شده و برخی خواست های مهم ناکفته مانده اند. اما با این حال، جنبش ما، مانع کسانی که این سند را امضا کرده اند، نمی شود، و همچنان به تلاش برای اقدامات مشترک با آن ها ادامه می دهد.



شیلی باید از لنینیسم، و نتیجتا مارکسیسم دست شسته و علیه اتحاد شوروی موضع بگیرند. اکنون، تاکید بر چیز دیگری است. اپوزیسیون راست - سانتریست مدعی است مساله قهر و یا شیوه های گوناگون مبارزه، مانع توافق با جنبش دموکراتیک مردمی، و به ویژه با کمونیست ها است.

الته مادر این عرصه و عرصه های دیگری نیز اختلاف نظر داریم. اما مهم آن است که علیرغم اختلافات، متحد شویم تا مشترکا برای حل مساله اصلی کنونی، یعنی برقراری یک رژیم دموکراتیک، بیزمیم.

این یک واقعیت تزلزل ناپذیر است که ما بارها خواهان پایان دادن به انعطاف ناپذیری سیاسی، اتحاد همه نیروهای اپوزیسیون از راست تا چپ، و فرا رو قرار دادن سرنگونی استبداد به مثابه وظیفه اصلی شده ایم. هرکس چشم دارد، ببیند، هرکس گوش دارد، بشنود، که از پینوشه باید سلب قدرت گردد.

جنبش دموکراتیک مردمی، مترقی ترین و پیگیرترین نیروهای چپ شیلی را نمایندگی می کند. هیچ طرحی برای برون رفت از موقعیت کنونی، بدون این جنبش، پشتوانه توده ای لازم را نیافته و نخواهد توانست که به نیروهایی کافی تکیه کند.

سیاستی که هدف لرد حزب کمونیست شیلی و نزدیکترین متحدان آن را دنبال می کند، مغایر با منافع و اراده خلق، و از این رو، فاقد پشتوانه اجتماعی است. برعکس، در همه جا، در محلات و سندیکاها، در دانشگاه ها و مدارس، در بین نویسندگان و هنرپیشگان، در مدارس حرفه ای و غیره، راهی به سوی اتحادی گسترده باز می شود. جوانان، سرمشقی از اتحاد را ارایه کرده اند. سازمان های سیاسی آن ها، که به احزاب جنبش دموکراتیک مردمی، بلوک سوسیالیستی و اتحاد دموکراتیک وابسته اند، توافقی پیرامون اقدامات واحد منعقد نموده اند.

مردم ما در جریان اعتراضات سپتامبر ۱۹۸۵، نمونه های باشکوهی (از اتحاد) را به نمایش گذاشتند. و اینک چند فاکت: شورای ملی رهبری

بایمال می کند، به اتفاق عواملش در عرض ۱۲ سال بیش از ۱۵ هزار میهن پرست را به قتل رسانده اند. کمیسیون حقوق بشر شیلی اعلام کرده است در این سال ها، ۵۰۰ هزار نفر، در سیاه چال ها و اردوگاه ها شکنجه شده، بازداشت گردیده و تحت پیگرد پلیس قرار گرفته و بیش از ۲ هزار تن ناپدید شده اند. تنها در سال های اخیر، ۸۰۲ نفر وحشیانه شکنجه شده و ۲۸۱ تن در دخمه های دیکتاتوری به قتل رسیده یا تاسرحد مرگ شکنجه شده اند.

تاریخ خود ما، به ما می آموزد که قهر، همواره از ناحیه طبقات حاکم ناشی شده است. اکنون نیز چنین است. اما باز افرادی پیدای می شوند که بدون توجه به این امر، با دها ن کف کرده اعمالی را محکوم می کنند که نتیجه خشم خلق از رژیم است که او را به گرسنگی واداشته و سرکوب می کند. قهر، در هر جامعه دارای طبقات متخاصم، وجود دارد. معمولا طبقات حاکم به خشن ترین وجه علیه خلق کشور خود قهر اعمال می کنند. و از این طریق می کوشند منافع خود را حفظ کرده یا جنبش های رهایی بخش و مبارزه برای حقوق بشر را که می تواند امتیازات و منافعشان را به خطر بیافکند، خفه کنند. اما خلق هم بعضا ناچار می شود اعمال قهر کند. و این در شرایطی است که هیچ امکان دیگری برای آزادی از سرکوب نداشته باشد. از زمان اسپارتاکوس چنین بوده و اینک نیز هنوز چنین است. نمونه هایی برای این حکم، عبارتند از انقلاب فرانسه، مهمترین انقلاب بورژوازی، و بزرگترین انقلابات، انقلاب سوسیالیستی اکثريت.

چه کسی می تواند منکر این شود؟ چگونه ممکن است از قهر علیه خلق دفاع و حمایت کنیم، اما وقتی خلق علیه رژیم فاشیستی به قهر متوسل می شود، او را محکوم سازیم؟ این خود قهر نیست که مهم است، بلکه مهم آن است که چه طبقه ای و علیه که آن را اعمال می کند.

اتحاد علیرغم اختلاف

قبل از آن که مساله حق خلق برای قیام و مشروعیت شیوه های گوناگون مبارزه را مطرح سازیم، به ما می گفتند: برای نیل به توافقی میان همه نیروهای دموکرات، کمونیست های

"کریسمس سیاه" در آفریقای جنوبی

عید میلاد مسیح در آفریقای جنوبی، مصادف با شدت گرفتن بی سابقه درگیری های مردم بیباخته این کشور با پلیس رژیم نژادپرست بود. به علت کشتاری که نژادپرستان علیه مردم به راه انداختند، رسانه های گروهی مراسم عید تولد مسیح را "کریسمس سیاه" نامیدند. تنها در فاصله دوشنبه تا چهارشنبه گذشته، پلیس ۱۷ تن را به قتل رساند. بدین ترتیب، شمار قربانیان عملیات سرکوبگرانه پلیس رژیم آپارتاید از فوریه ۱۹۸۴ بدین سو، از هزارتن تجاوز کرده است.

آلفرد نزو، دبیرکل کنگره ملی آفریقا، در مصاحبه ای در هراوه، پایتخت زیمبابوه، اظهار داشت: رژیم آپارتاید دچار یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی شده است. وی افزود: تلاش مقامات نژادپرست برای شکست مقاومت مردم به زور اسلحه، محکوم به شکست است. نزو خاطر نشان ساخت: دولت پرتوریا زبان منطق را نمی فهمد و نمی خواهد خواست اکثریت مطلق مردم کشور را بپذیرد، و از این رو کارزار ترور و کشتار علیه میهن پرستان را شدت بخشیده است. نلسون ماندلا، رهبر برجسته مبارزات

مردم هنوز در زندان است. نزو گفت: دیر یا زود نژادپرستان پاسخگوی جنایات خود خواهند بود. وی تاکید کرد: نقش طبقه کارگر در روندهای انقلابی جاری افزایش یافته است. دبیرکل کنگره ملی آفریقا گفت: این سازمان در صدد افزایش فعالیت های نظامی خود است. آلفرد نزو خواهان برقراری مجازات های بین المللی علیه رژیم آپارتاید شد.

بیانیه نیروهای انقلابی بحرین

دو سازمان میهن پرست بحرین به نام های جبهه راهابی بخش ملی بحرین و جبهه خلق بحرین، بیانیه مشترکی منتشر ساختند و در آن، خواستار پایان دادن به پیگرد نیروهای ترقی خواه و دمکراتیک توسط مقامات این کشور عربی شدند. این دو جبهه همچنین خواهان آن گردیده اند که قوانین سرکوبگرانه در بحرین لغو شده و زندانیان سیاسی آزاد گردند.

سند مشترک نیروهای انقلابی بحرین، بر ضرورت برجیدن پایگاه ها و تاسیسات نظامی آمریکایی در بحرین و آزاد ساختن اقتصاد کشور از یوغ سلطه بیگانه تاکید می ورزد.

جهان خواستار قطع انفجارهای هسته ای است

روزهای پایانی سال ۱۹۸۵، جهان بار دیگر شاهد یک ابتکار صلح اتحاد شوروی بود. این کشور که در سالگرد بمباران اتمی هیروشیما اعلام کرده بود به طور یکجانبه تا پایان سال، انفجارهای هسته ای را متوقف ساخته و در صورت پیوستن آمریکا بدین اقدام، از اول ژانویه ۱۹۸۶ به بعد نیز این "موراتوریوم" را تمدید خواهد نمود، گام دیگری در جهت امکان پذیر کردن گام های عملی در راه خلع سلاح و کاهش خطر جنگ برداشت. اتحاد شوروی به منظور واداشتن ایالات متحده به تغییر موضع مخرب خود مبنی بر خودداری از موافقت با قطع آزمایش های هسته ای، اعلام کرد آماده است علاوه بر شیوه های کنترلی که تاکنون بر شمرده شده اند، بیرون بازدید ناظرین دوطرف از امکانی که احتمال انجام آزمایش هسته ای در آن ها می رود، با آمریکا توافق نماید. تاکنون واشنگتن از موافقت با قطع آزمایش های هسته ای همواره به این بهانه که امکان کنترل توافقی در زمینه فوق وجود ندارد، مفرقه رفته است.

لازم به یاد آوری است آزمایش های هسته ای در سلسله زنجیر سابقه تسلیحاتی، نقش مهمی را ایفا می کنند. سیستم های جدید تسلیحاتی، تنها از طریق آزمایش پیچیده تر و مدرن تر می شوند. اگر آزمایش های هسته ای قطع شود، گام مهمی در جهت جلوگیری از تولید سلاح های هسته ای هرچه پیچیده تر و هر چه مخرب تر برداشته خواهد شد. از این رو اتحاد شوروی در قریب به چهل سال اخیر، ابتکارات متعددی برای نزدیک شدن به توافق بین المللی برای قطع این انفجارها عرضه کرده است. این پیشنهادها همیشه با امتناع آمریکا روبرو شده اند.

اتحاد شوروی برای ممکن کردن توافق پیرامون قطع انفجارهای هسته ای، پیشنهاد آرتانتین، یونان،

راهپیمایی صلح در آمریکای مرکزی

در باناما سیتی، پایتخت باناما، یک راهپیمایی بین المللی صلح در اعتراض به مداخلات خارجی در این منطقه آغاز شد. شعارها راهپیمایان، که از کشورهای مختلف آمریکای مرکزی خواهند گذشت، صلح و همبستگی است.

در پاسخ به فراخوان نیروهای صلح دوست، راهپیمایی با شرکت بیش از سیصد تن از اعضا سازمان های صلح و احزاب سیاسی، اعضای پارلمان ها و نمایندگان محافل مذهبی، سندیکایی، دانشجویی، توده ای، فرهنگی و هنری از ۲۵ کشور آمریکا، آسیا و اروپای غربی آغاز گردید. راهپیمایان با طی مسافتی برابر دو هزار کیلومتر از باناما، کاستاریکا، نیکاراگوئه، هندوراس، السالوادور و گواتمالا خواهند گذشت و در ۲۲ ژانویه، به مکزیک خواهند رسید. در آن جا قطع نامه پایانی راهپیمایی درباره اوضاع منطقه صادر خواهد شد.

یکی از مسئولین سازمان دهی راهپیمایی صلح آمریکایی مرکزی که در یک کنفرانس مطبوعاتی سخن می گفت، اظهار داشت: هدف اصلی این اقدام، جلوگیری از وقوع جنگ در آمریکای مرکزی، جلب توجه بشریت به اوضاع انفجاری منطقه، دفاع از حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت خلق ها است.

اخبار کوتاه

* پینوشه دیکتاتور شیلی بار دیگر در سراسر کشور "موقعیت جنگی" اعلام کرد. طبق این فرمان، ارتش و پلیس دارای اختیارات ویژه برای اقدام علیه اپوزیسیون هستند. لازم به یاد آوری است "وضعیت فوق العاده" از هنگام کودتای فاشیستی ۱۹۷۲ بدون وقفه برقرار بوده است، اما "موقعیت جنگی" برای مدتی کوتاه لغو شده بود. پینوشه اخیرا اعلام کرد در صورت ضرورت با "مشت آهنین" با مردم مقابله خواهد کرد.

* در روزهای اخیر رسانه های گروهی اسرائیل از قول "مقامات امنیتی" مرتبا "گزارش ها" یی درباره تقویت بنیه دفاعی سوریه منتشر می سازند و مدعی می شوند این کشور سلاح های جدیدی از اتحاد شوروی دریافت داشته است. در گذشته به راه افتادن کارزارهای تبلیغاتی اینچنینی در اسرائیل زمینه ساز اقدامات تجاوزکارانه علیه کشورهای عربی بوه است.

* به گزارش روزنامه تایمز لندن، رژیم عراق بیورش وسیعی را به کردستان عراق آغاز کرده است. در حمله ارتش عراق به شهر سلیمانیه، بنا به گزارش این روزنامه ۲۰۰ نفر دستگیر و بلافاصله اعدام شده اند. وزارت خارجه بریتانیا نیز وقوع بیورش ارتش عراق به کردستان را تایید کرده است.

* رئیس موسسه بررسی های دفاعی هند هشدار داد تلاش پاکستان برای ساختن سلاح های هسته ای به کمک آمریکا، تهدیدی جدی علیه صلح، امنیت و ثبات در جنوب آسیاست. وی در مصاحبه با رادیوی سراسری هند گفت از سال ۱۹۷۲، پاکستان مشغول ساختن بمب اتمی است.

مکزیک، هند، نائژانیا و سوئد در مورد ایجاد یک سیستم کنترل را پذیرفته است.

در سراسر جهان، ابتکار اتحاد شوروی با استقبال روبرو شد. در آمریکا جنبش صلح این کشور خواهان قطع آزمایش های هسته ای ایالات متحده گردید. "مرکز اطلاعات دفاعی" واشنگتن که در آن، افسران عالی رتبه پیشین آمریکایی عضویت دارند، اعلام کرد: "مرگه ایالات متحده آمریکا مانند اتحاد شوروی آزمایش سلاح های هسته ای را قطع کند، می توان به طور دائم آزمایش های هسته ای را قطع کرد. بدین ترتیب احتمال جنگ هسته ای کمتر خواهد شد."

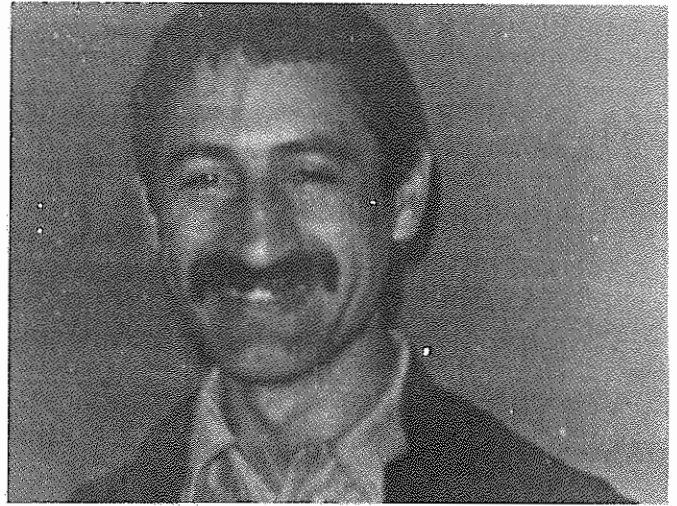
پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی در شماره ۹ دسامبر ۱۹۸۵ خود می نویسد: علیرغم قطع یکجانبه آزمایش های هسته ای شوروی، برنامه انفجارهای هسته ای زیرزمینی آمریکا ادامه دارد، امری که به حق، نگرانی آوراست. پراودا ضمن اشاره به تمدید موراتوریوم اتحاد شوروی در صورت پیوستن آمریکا، خاطر نشان می سازد "اگر چه وقت تنگ است، اما برای اتخاذ تصمیم درست و سنجیده کافی است."

دولت آمریکا این بار نیز پیشنهاد اتحاد شوروی را رد کرد. اما اقدام اتحاد شوروی، فشار افکار عمومی در آمریکا و سایر کشورهای غربی بر واشنگتن را افزایش داده است. جهانیان، خواهان قطع آزمایش های هسته ای به عنوان گام مهمی در راه محدود ساختن و کاهش سلاح های نابودی جمعی اند.

میخائیل گارباچف در دیدار با دکتر چاسوف و دکتر لاون رهبران سازمان بین المللی پزشکان برای جلوگیری از "جنت هسته ای" که اسام جابزه صلح نوبل را دریافت داشتند، بر آمادگی کشورش برای قطع آزمایش های هسته ای تاکید کرد.

به یاد رضی قهرمان

آن که عشق و جسارت بود



اما من انسانم...

گذرگامی صعب است زندگی؛ تنگایی در تلاطم و درجوش.
ایمان، یکی چشم‌بند است؛ دیواری در برابر بینش.
به‌خیره مگو که ایمان، کوه را به جنبش درمی‌آورد؛
من کوه بی‌جان نیستم، انسانم من!

سنگ مقدس در این جهان بسیارست،
صیقل خورده به بوسه‌های لبان خشکیده از عطش.
ایمان به جسم بی‌جان روح می‌بخشد، لیکن
من جسم بی‌جان نیستم، انسانی زنده‌ام من.

من ناینانی آدمیان را دیده‌ام
و توفیدن گردباد را بر عرصهٔ پیکار،
من آسمان را دیده‌ام
و آدمیان را، سرگردان، به‌مهی دودگونه فروپوشیده،

مرا، به‌ایمان، ایمان نیست.
اگر اندوهگینت می‌کند بگو اندوهگینم.
حقیقت را بگو، نه لابه‌کن نه ستایش.
تنها به‌تو ایمان دارم ای وفاداری به‌قرن و به‌انسان!

توان تحملت ار هست، شکوه مکن.
به‌پرسش اگر پاسخ می‌گوئی، پاسخی درخور بگویی.
در برابر رگبار گلوله اگر می‌ایستی، مردانه بایست
که پیام ایمان و وفا به‌جز این نیست!
ایلیا ارنبورگ

آندره‌ئی گرومیکو:

شعار جنگ ناپیروزی، مغایر هرگونه منطق است

جمعه ۲۱ آذر، خامنه‌ای رئیس
جمهور رژیم در خطبه‌های نمایش
هفتگی، ضمن اشاره به سخنان
آندره‌ئی گرومیکو صدر هیئت رئیسه
شورای عالی اتحاد شوروی در باره
جنگ ایران و عراق، اراجیفی که
کوچکترین ربطی به اظهارات گرومیکو
نداشت به زبان آورد تا موضعگیری
اتحاد شوروی را که به سود مردم ایران
و عراق و صلح و امنیت منطقه است، به
خیال خود رد کند. خامنه‌ای این
سخنان را در پاسخ به اظهارات
آندره‌ئی گرومیکو در دیدار با هیات
عراقی به سرپرستی رئیس جمهوری این

کشور، به زبان آورد. رئیس کشور
شوروی در این دیدار در باره جنگ
ایران و عراق گفت: "ما همواره تاکید
کرده و می‌کنیم که این جنگ بی‌بوده و
بی‌معنی است و تنها به کسانی سود می
رساند که روی تضعیف عراق و ایران
سرمایه‌گذاری کرده‌اند." گرومیکو
افزود: "ما اقدامات آنهایی را که بر
خلاف هر گونه منطقی شعار ادامه جنگ
تا پایان پیروزمند" را می‌دهند و بدان
بعنوان وسیله‌ای برای تسویه حساب با
دشمن و تحمیل اراده سیاسی خود به وی
می‌نگرند، غیر معقول می‌دانیم."

برای رهائی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان
خلق ایران (اکثریت)، برای کمک به رهائی خلق ایران همه ابتکارات را
برای جلب هرچه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده
و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "کار":	
مارک ۱۱	مارک ۱۱	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> یک ساله
مارک ۲۴	مارک ۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":	
مارک ۳۰	مارک ۲۷	<input type="checkbox"/> سه ماهه	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارک ۵۸	مارک ۵۲		<input type="checkbox"/> یک ساله
مارک ۱۱۵	مارک ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 88
MONDAY DEC 30, 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W, GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER